

تحلیلی از وضعیت مناطق چهارگانه حفاظت شده در روند عمومی تخریب طبیعت

* مهندس هنریک مجنونیان

قسمت اول

انحصار طلبانه و کج روی‌های اعمال شده در سالهای قبل از انقلاب، باید اعتراف کرد که آماج حفاظت از این مناطق به دلایل متعددی با هدفهای از پیش تعیین شده و تنگ نظرانه تصمیم‌گیران دولتی انطباق نداشته و در محدوده خواسته‌های نظام پیشین باقی نماندند. حفاظت از این الگوهای معرف، ارزشمند و گاه منحصر بفرد از تنوع سیستمهای طبیعی کشور، در روند تکاملی جامعه به تدریج دگرگون شده و مضمون صحیح‌تری را پیدا کردند و حداقل از جنبه حراست به عنوان پیش شرط دستیابی به اهداف چند جانبه حفاظت تضمین شده بودند. گرچه به دلیل محدود شدن دامنه استفاده‌های ممکن از آنها، تصور نادرستی نیز از علت وجودی احداث این مناطق در اذهان عمومی بوجود آمده بود که هنوز هم کم و بیش آثار چنین دریافتی را در بین مردم و به ویژه در سطوح خاص تصمیم‌گیران دولتی می‌توان دید، مع‌هذا، ثبات و برتری

کلمات کلید: مناطق چهارگانه تحت مدیریت، تنوع بیولوژیک، تخریب، جزیره‌ای شدن، ناحیه‌بندی، محدوده امن، حفاظت.

مقدمه

سازمان حفاظت محیط زیست برای حفظ و نگهداری از تنوع اکوسیستمها و ذخائر توارثی گیاهی و جانوری، نمونه‌هایی از بکرترین و غنی‌ترین مناطق طبیعی این سرزمین را در چهار رده بعنوان الگو انتخاب و در محدوده وظایف قانونی خود اداره می‌کند. این مناطق چهارگانه (پارکهای ملی، مناطق حفاظت شده، آثار طبیعی و ملی و پناهگاه حیات وحش) براساس ضوابط پذیرفته شده در بین همه ملل جهان، از جمله باارزش‌ترین میراثهای طبیعی کشور محسوب می‌شوند. علی‌رغم تعقیب اهداف

* کارشناس مسئول سازمان حفاظت محیط زیست

آنها از جنبه‌های مختلف، نسبت به موقعیت کنونی آنها غیر قابل تردید بوده است. در دهه اخیر بازتاب تردید و ناباوری مسئولین ذیربط نسبت به ارزشهای غیرقابل جانشین و چند جانبه این مناطق بی‌اعتنائیهای فراوانی را نسبت به حفاظت از آنها برانگیخته و حتی موجودیت و بقاء آنها را نیز به مخاطره انداخته است. انتظار می‌رفت که با منابع طبیعی کشور بطور عام و الگوهای حفاظت شده بطور خاص که نمونه‌های برجسته‌ای از تنوع اجتماعات زیستی کشور محسوب شده و طبق قابل توجهی از تنوع بیولوژیک این سرزمین را دربر می‌گیرند، بعد از انقلاب رفتاری به مراتب شایسته‌تر از سابق صورت گیرد و موقعیت این منابع حیاتی و شاخص به عنوان نگهدارنده ذخائر توارثی کشور در حالت طبیعی برای بهره‌برداری چند جانبه علمی، آموزشی و پژوهشی، از نظر حمایتی، تثبیت شده و با جبران کاستی‌های گذشته از نظر فرایند شکل‌گیری، نحوه مدیریت و حفاظت، وضع مطلوبتری را کسب نمایند. ولی بررسی‌ها و شواهد عینی زیادی در دست هست که نشان می‌دهد الگوهای حفاظت شده به موازات تشدید روند تخریب در سراسر عرصه محیط طبیعی کشور از یک سو و ضعف سازمان حفاظت محیط زیست در مدیریت، کنترل و نظارت فعالیتهای مخرب انسانی از سوی دیگر به شدت دگرگون شده، ویژگی‌های بارز و ارزشهای غیرقابل جانشین خود را در دهه اخیر به تدریج از دست داده و از وضعیت مطلوب گذشته خود بطور انکارناپذیری دور شده‌اند. در صورت ادامه روند تخریب طبیعت و شتاب فزاینده آن، مناطق چهارگانه به سرعت به جزایر مجزایی در متن یک طبیعت عاری از حیات بدل خواهند شد که مالا از یک سو تحت تأثیر عوامل اخلاص گر محیط پیرامونی خود قرار گرفته و از سوی دیگر متأثر از برخی نارسائی‌های فنی شکل‌گیری خود و فعالیتهای ناسازگار با مدیریت درونی خود به

تخریب کشیده خواهند شد. در چنین شرایطی دستیابی به حداقل اهداف حفاظت نه تنها مقدور نیست، بلکه این مناطق حتی قادر به حفظ موجودیت و ارزشهای خود در کوتاه مدت نیز نبوده و بزودی به سیستمهای ناپایدار و شکننده‌ای تبدیل خواهند شد. در این صورت نه تنها تمامی تلاشها و سرمایه‌گذاریهای انجام گرفته در سه دهه اخیر به هدر خواهد رفت بلکه نسل آتی از غنای زیستی سرزمین خود نیز محروم خواهد شد.

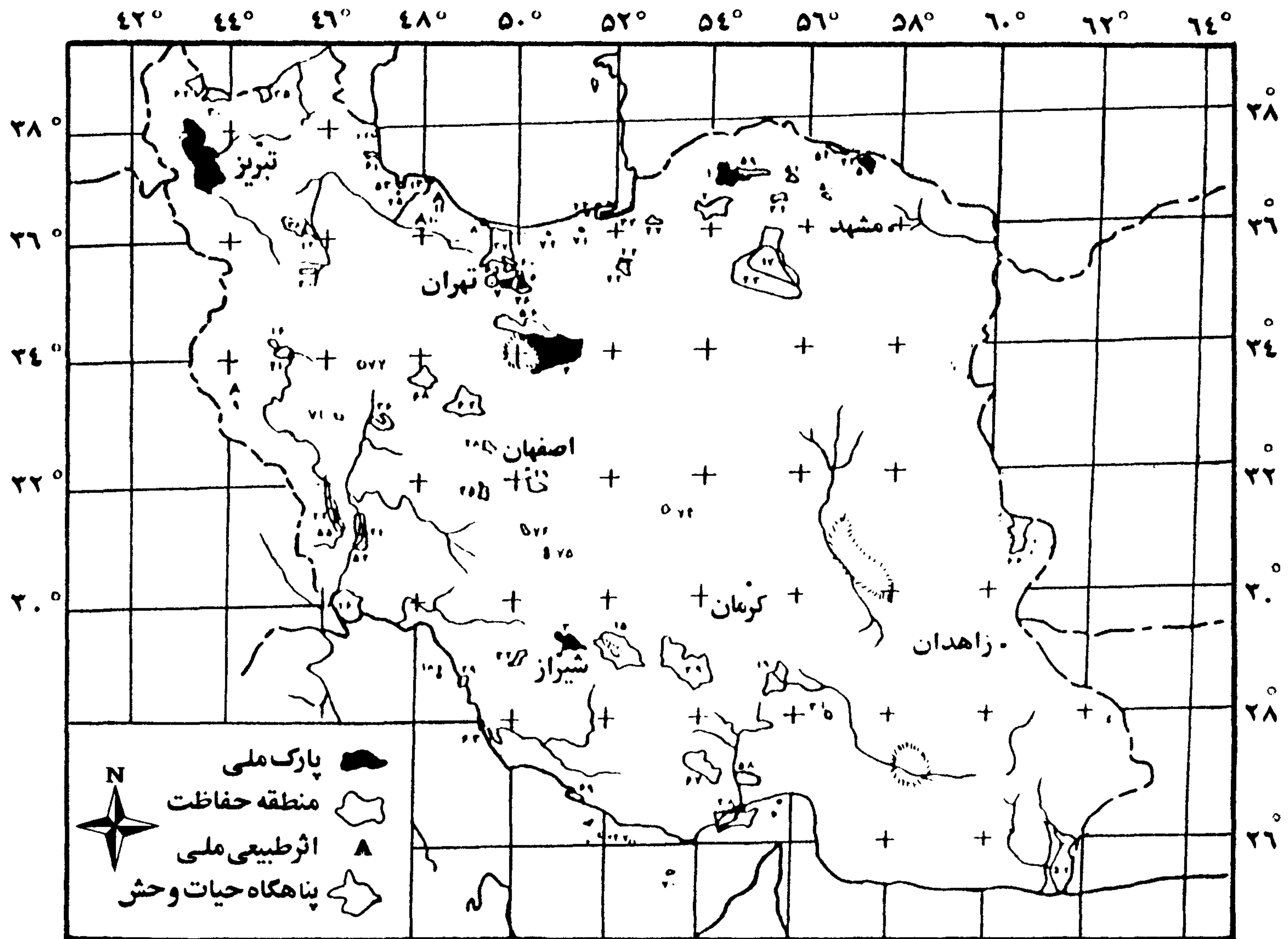
روش بررسی

بررسی مناطق چهارگانه تحت مدیریت بر مبنای تلفیق گزارش‌های ده ساله دفتر امور اجرائی سازمان محیط زیست از تخلیفات رایج در مناطق، بررسی نتایج پرسشنامه‌های توزیع شده در خصوص نارسائی‌های مدیریت مناطق در استانها جهت ارائه طرح سامان بخشی مناطق، استخراج اطلاعات از گزارشهای مأموریت کارشناسان محیط طبیعی و بازدید مستقیم از تعداد قابل توجهی از آنها برای انطباق و مقایسه گزارشها با شواهد عینی صورت گرفته است.

وسعت و تعداد مناطق

مناطق چهارگانه رسمی که سازمان حفاظت محیط زیست در اختیار دارد، منطبق با ضوابط پذیرفته شده همه ملل جهان، معرف برجسته‌ترین ویژگی‌ها از نظر عوارض زمین، چشم اندازه‌ها، غنای طبیعی کشور، اعم از ذخائر توارثی گیاهی یا جانوری است. علاوه بر مناطق رسمی مشتمل بر ۷۲ منطقه (یعنی ۷ پارک ملی، ۲۴ پناهگاه حیات وحش، ۳۷ منطقه حفاظت شده و ۴ اثر طبیعی و ملی که ۹ منطقه از این مجموعه با عنوان ذخیره‌گاه زیست

نقشه شماره ۱. مناطق تحت حفاظت سازمان حفاظت محیط زیست



آگهی شده‌اند. به این مجموعه باید ۵ رودخانه رسمی حفاظت شده از آبهای داخلی را نیز اضافه نمود، ضمناً سازمان محیط زیست بر بهره‌برداریهای و اثرات فعالیتهای مؤثر انسانی بر کلیه تالابهای کشور، و به ویژه ۱۸ تالاب بین‌المللی، نظارت داشته و مسئولیت کنترل آنها را از نظر جلوگیری از هرگونه دگرگونیهای غیرقابل برگشت بر عهده دارد (نقشه شماره ۱). مناطق چهارگانه رسمی وسعتی برابر با $7/6$ میلیون هکتار یعنی کمتر از ۵ درصد از مساحت کشور را می‌پوشانند. به جز پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی و یک پنجم مساحت مناطق حفاظت شده و پناهگاههای حیات وحش بعنوان محدوده‌های امن، انواع فعالیتهای انسانی سازگار، براساس ضوابط و ظرفیت در کلیه مناطق در حدود تعیین شده مجاز است.

سپهر زیر پوشش برنامه انسان و کره مسکون قرار دارند)، تعداد ۱۹ منطقه نیز جدا از مناطق فوق صرفاً برای حمایت از برخی گونه‌ها با عنوان مناطق شکار ممنوع.

جدول شماره ۱- وسعت و تعداد مناطق چهارگانه به تفکیک در سطح کشور

عنوان	تعداد	وسعت (هکتار)
پارک ملی	۷	۱۰۷۵۳۰۰
آثار طبیعی و ملی	۴	۱۶۲۸/۲
پناهگاه حیات وحش	۲۴	۱۹۰۷۱۱۲
منطقه حفاظت شده	۳۷	۴۶۲۴۱۲۵
جمع	۷۲	۷۶۰۸۱۶۵/۲

جدول شماره ۲ - مناطق چهارگانه تحت پوشش سازمان حفاظت محیط زیست کشور برحسب استان در سال ۱۳۶۹
(واحد سطح هکتار)

شماره ردیف	استان	پارک ملی		اثر طبیعی ملی		پناهگاه حیات وحش		منطقه حفاظت شده		جمع کل مناطق استان	
		تعداد	مجموع سطح	تعداد	مجموع سطح	تعداد	مجموع سطح	تعداد	مجموع سطح	تعداد	مجموع سطح
۱	تهران	۳	۴۴۰۹۵۰	-	-	-	-	۴	۳۵۷۶۵۰	۷	۷۹۸۶۰۰
۲	مرکزی	-	-	-	-	-	-	۱	۸۲۰۰۰	۱	۸۲۰۰۰
۳	گیلان	-	-	۲	۱/۲	۳	۲۵۳۹	۲	۳۷۵۵۰	۷	-
۴	مازندران	۱	۹۱۸۹۵	۱	۲۲۷	۵	۷۶۶۴۰	۱	۳۰۶۰۰	۸	۱۹۹۳۶۲
۵	آذربایجان شرقی	-	-	-	-	۱	۸۴۴۰۰	۱	۷۲۴۶۰	۲	۱۵۶۸۶۰
۶	آذربایجان غربی	۱	۴۶۳۶۰۰	-	-	-	-	۱	۹۲۷۱۵	۲	۵۵۶۳۱۵
۷	باختران	-	-	-	-	۱	۳۱۲۵۰	۱	۵۰۸۵۰	۲	۸۲۱۰۰
۸	خوزستان	-	-	-	-	۳	۳۰۴۸۴۰	۲	۲۰۰۶۰	۵	۳۲۴۹۰۰
۹	فارس	۱	۴۸۰۷۵	-	-	۱	۳۲۷۸۲۰	۳	۵۸۹۰۸۴	۵	۹۶۴۹۷۹
۱۰	کرمان	-	-	-	-	۲	۱۸۱۲۱۸	-	-	۲	۱۸۱۲۱۸
۱۱	خراسان	۱	۳۰۷۸۰	-	-	۱	۵۲۰۰۰	۵	۱۱۸۸۰۰	۷	۲۰۱۵۸۰
۱۲	اصفهان	-	-	-	-	۲	۹۷۹۳۳	۱	۲۰۰۰۰۰	۳	۲۹۷۹۳۳
۱۳	هرمزگان	-	-	-	-	۱	۱۶۰	۳	۱۱۵۸۰۶	۴	۱۱۵۹۶۶
۱۴	سیستان و بلوچستان	-	-	-	-	-	-	۲	۵۷۵۹۳۰	۲	۵۷۵۹۳۰
۱۵	کردستان	-	-	-	-	-	-	۱	۲۵۰۰۰	۱	۲۵۰۰۰
۱۶	همدان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۷	لرستان	-	-	-	-	-	-	۱	۹۳۹۵۰	۱	۹۳۹۵۰
۱۸	ایلام	-	-	۱	۱۴۰۰	-	-	-	-	۱	۱۴۰۰
۱۹	زنجان	-	-	-	-	۱	۲۸۶۰۰۰	۱	۹۶۱۳۰۰	۲	۱۲۴۷۳۰
۲۰	چهارمحال بختیاری	-	-	-	-	۱	-	۱	۲۷۰۰۰	۱	۲۷۰۰۰
۲۱	یزد	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۲	بوشهر	-	-	-	-	۱	۳۱۲	۳	۲۸۴۳۰۰	۴	۲۸۴۶۱۲
۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۴	سمنان	-	-	-	-	۲	۷۱۹۴۰۰	۲	۱۳۵۵۲۴۰	۴	۲۰۷۴۶۴۰
*	مشترک (تهران - مازندران)	-	-	-	-	-	-	۱	۳۹۹۵۰۰	-	۳۹۹۵۰۰
	جمع کل	۷	۱۰۷۵۳۰۰	۴	۱۶۲۸	۲۴	۱۹۰۷۱۱۲	۳۷	۴۶۲۴۱۲۵	۷۲	۷۶۰۸۱۶۵

هدفهای اولیه احداث مناطق چهارگانه

۱ - حفاظت پایدار و مستمر از الگوهای معرف انتخاب شده و ارتقاء کیفی و کمی آنها به عنوان تنها نمونه‌های بازمانده از تنوع سیستمهای طبیعی و حفظ یکپارچگی کارکردهای اکوسیستم‌ها.

۲ - حفظ ذخائر توارثی و تنوع آنها در زیستگاههای طبیعی از یکسو و حمایت از گونه‌های در معرض انقراض در برابر کلیه عوامل مؤثر انسانی، برای استفاده‌های نسل حاضر و آتی از سوی دیگر.

۳ - هدایت بهره‌برداران از منابع طبیعی تجدید پذیر براساس ضوابط زیست محیطی و مقایسه تطبیقی مناطق مورد بهره‌برداری با نمونه‌های شاهد و حفاظت شده.

۴ - کاربست عملی مفهوم حفاظت و استفاده از قابلیت‌های چند جانبه آموزشی، تفرجگاهی، علمی، فرهنگی و پژوهشی از مناطق چهارگانه .

سیاستهای لازم برای دستیابی به اهداف

۱ - نظارت مستمر بر مدیریت مناطق، از جهت اجرائی و شناسایی کاستیها، لغزشها و تصحیح روندهای نادرست گذشته و بسط فعالیت‌های حفاظت در سیستم بازتر برای تضمین پایداری و بقاء مناطق در برابر توسعه فعالیت‌های بیرویه انسانی.

۲ - پژوهش درباره اکوسیستم‌های کشور و تعیین مناطقی که دارای ویژگیهای منحصر بفرد اکولوژیک، یا دارای جوامع گیاهی و جانوری با ارزش، نادر یا در حال انقراض می‌باشند، و معرفی آنها جهت حفاظت، جایگزینی و رفع نارسائیها برای تکمیل منظومه الگوهای حفاظت شده.

۳ - حل تعارضات موجود بین انواع بهره‌برداری

انسان و طبیعت ابتدا در مناطق چهارگانه و بسط آن در خارج از مناطق با همکاری سازمانهای ذیربط در امور منابع طبیعی و تهیه طرح جامع برای تطبیق مدیریت مناطق چهارگانه براساس توان، استعداد و ظرفیت اراضی و تنظیم فعالیت‌های سازگار با یکدیگر برای استفاده‌های چندجانبه .

۴ - اجرای برنامه‌های پژوهشی، ترویجی و آموزش زیست محیطی مستمر در مناطق چهارگانه با توجه به اولویتها و تجهیز مناطق به ویژه پارک‌های ملی جهت بهره‌برداری از قابلیت‌های چندجانبه آنها.

معضلات مناطق چهارگانه و نارسائیهای کنترل و نظارت

از نظر رابطه انسان و بهره‌مندی آن از مناطق چهارگانه، این مناطق به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - مناطق ممنوعه:

پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی.

ب - مناطق غیر ممنوعه تحت کنترل و نظارت: پناهگاههای حیات وحش و مناطق حفاظت شده.

از مناطق محدود دسته اول هیچگونه استفاده‌ای با اساس مصرفی مجاز نیست مگر اینکه بهبود شرایط زیستگاهی آن را ایجاب کند. این مناطق برای مقاصد نظیر پژوهش، آموزش، نظارت پیوسته بر محیط، حفظ گونه‌ها و اجتماعات گیاهی و جانوری، اکوسیستم‌های نمونه، حفظ وسعت و تنوع ژنتیکی در اکوسیستم‌های طبیعی، مقایسه تطبیقی اکوسیستم‌های تخریب یافته با الگوهای شاهد جهت هدایت، ترمیم و احیاء و فراهم آوری تسهیلاتی جهت استفاده‌های فرهنگی و تفرجگاهی و نظایر آن اختصاص یافته و کنار نهاده شده‌اند. در مناطق دسته دوم استفاده‌های انسانی از منابع مختلف آن

اعم از تجدید پذیر یا غیر آن (جنگل، مرتع، معدن) بر اساس ضوابط و مقرراتی بدون اینکه تغییرات چشمگیر و غیرقابل برگشتی بر جای گذارند به صورت کنترل شده مجاز است.

فعالیت‌های ناسازگار و مخرب محدود به مناطق دسته دوم نمی‌شود، گرچه مناطق دسته اول به دلیل داشتن پشتوانه قانونی مطمئن‌تر دارای مشکلات کمتری هستند، ولی در برخی موارد قوانین حاکم بر آنها به وسیله برخی از باغها و سازمانها نادیده گرفته شده و عملاً این مناطق دستخوش تغییرات چشمگیری قرار گرفته و ارزشهای کمی و کیفی آنها رو به کاهش گذارده است. سازمان حفاظت محیط زیست گرچه باید دیدگاهی وسیع‌تر از این داشته باشد که معضلات زیست محیطی را فقط در محدوده مناطق تحت مدیریت خود در نظر گیرد، ولی به دلایل متعددی حتی در حفظ و نگهداری این مناطق نیز دارای نارسائی‌های فراوان است. سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان سازمانی که باید رفتارهای انسان و سیاست‌های ارگانهای اجرایی ذیربط در امور بهره‌برداری از محیط طبیعی را تنظیم و سامان دهد، در صورتی که بخواهد به عنوان یک نهاد ثمربخش و تعیین کننده مطرح و آنطور که شایسته یک جامعه رو به ترقی است بطور پویا، کنترل و نظارت دقیقی بر محیط طبیعی داشته باشد باید توانائی‌های خود را متناسب با معضلات زیست محیطی که در جریان تولید اجتماعی به وجود می‌آید هم‌تراز نماید، تا قبل از اینکه مسائل زیست محیطی در عرصه محیط طبیعی بطور عام و در مناطق تحت مدیریت بطور خاص به گره‌های کور و پیچیده‌ای تبدیل شوند، توانایی مقابله و حل آنها را پیدا کند. متأسفانه سازمان حفاظت محیط زیست از زمان شکل‌گیری تاکنون نه تنها سطح کیفی خود را متناسب با نیازهای جامعه و مشکلات فراگیر زیست محیطی ارتقاء نداده بلکه در دهه اخیر به دلیل

فقدان دانش و بینش زیست محیطی در بین مردم و بویژه در سطح تصمیم‌گیران به طور خاص از یکسو و فقدان نیروی انسانی کارآمد در زمینه‌های ترویجی، آموزشی، پژوهشی و اجرایی از سوی دیگر عملکردی در خور انتظار نداشته و ضمناً مورد بی‌مهری‌های فراوان نیز قرار گرفته است. به جرأت می‌توان گفت در مجموعه مسائل کشور کمتر موضوعی تا بدین پایه با اهمیت، این چنین نادیده گرفته شده و در مورد آن تا بدین حد غفلت شده است. به دلیل چنین زمینه‌ای هیچ وقت اهمیت آن در سطوح تصمیم‌گیران دولتی نیز درک نشده است و به طریق اولی بازتاب این بیگانگی در سطوح تصمیم‌گیرنده در رابطه با مسائل زیست محیطی به ویژه ارزشهای منابع بیولوژیک این سرزمین زمینه تقریباً مطلقاً از بیگانگی با دانش و فرهنگ زیست محیطی را میان مردم و حتی در سطح سازمانهای ذیربط به ارمغان آورده است. بطوری که مجموعه ملاحظات زیست محیطی در رابطه انسان با طبیعت در جریان تولید اجتماعی جایگاهی ندارد. نتیجه اینکه سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان تنها متولی قانونی حفظ عرصه‌های محیط طبیعی و ذخائر با ارزش آن قابلیت‌های لازم را جهت پاسخگویی به نیازهای زیست محیطی جامعه در انتظام روابط انسان با طبیعت هیچوقت پیدا نکرده و همیشه نسبت به معضلات مبتلابه طبیعت کشور یک گام عقب‌تر بوده است و از لحاظ توانمندی چه از نظر کمیت نیروی انسانی و چه از نظر کیفیت تناسبی با دامنه مشکلات زیست محیطی زمان خود نداشته و رشد لازم را نکرده است. هم‌اکنون نیز تحرک درونی آن برای تکامل و ارتقاء به سطح کیفی و کمی مطلوب و فائق آمدن بر مسائل و مشکلات زیست محیطی در عرصه محیط طبیعی بسیار ضعیف است. شاید به همین دلیل باشد که عملکرد آن اصولاً محسوس نبوده و در ذهنیت مردم و حتی سطوح تصمیم‌گیران، ثمربخشی آن کمتر از

آنچه هست جلوه گر شده است. چه دلیلی دارد، این سازمان که حافظ ارزشمندترین میراث‌های طبیعی این کشور برای نسل حاضر و آتی است از ابتدایی‌ترین وسایل امکانات کنترل و نظارت، از حداقل نیروی انسانی ترویجی، پژوهشی، از حداقل توجه مسئولین نسبت به اهداف علمی، فرهنگی، اخلاقی و آموزشی آن محروم باشد؟ نتیجه این گونه بی‌توجهی‌ها و غفلتها باعث شده است که نه تنها کل طبیعت بلکه محیط طبیعی تحت مدیریت این سازمان نیز در معرض انواع فعالیتهای مخرب انسانی قرار گیرد.

موانع دستیابی به اهداف حفاظت

بررسی مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان محیط زیست در دهه اخیر نشان می‌دهد که انواع فعالیتهای ناسازگار با مدیریت آنها در سطح وسیعی، بدون هرگونه ضابطه در این مناطق جریان دارد. این فعالیت‌های ناهمسو و اختلال برانگیز که با اهداف و موجودیت مناطق در تعارض کامل قرار دارند، هرگونه خوشبینی را در مورد پایداری دراز مدت آنها از بین می‌برند. موجودیت منابع ارزشمند این مناطق قبل از هرچیز به حراست و حفاظت مستمر آنها بستگی دارد. در این میان جز پارک‌های ملی که دارای پشتوانه قانونی مطمئن‌تری هستند بقیه مناطق تحت تأثیر فعالیتهای مخرب انسانی قرار دارند. توسعه اینگونه فعالیتهای غیرمجاز در داخل مناطق حفاظت شده ابتدا ناشی از بحران زیست محیطی در عرصه محیط طبیعی سراسر کشور، از یکسو و فقدان امکانات کنترل و نظارت کافی سازمان حفاظت محیط زیست از سوی دیگر است. و این همه مولود نارسایی‌های بنیانهای اقتصادی - اجتماعی است که در عرصه محیط طبیعی بطور عام و در مناطق حفاظت شده بطور خاص به صورت انواع

فعالیتهای تخریبی بروز می‌کند. در مورد تعارضهایی که این گونه فعالیتهای با ایجاد منظومه مناطق چهارگانه بوجود می‌آورند قبلاً بایستی این موضوع را روشن نمود که اولاً مفهوم حفاظت به معنی بستن و محصور کردن اراضی و منابع آن بر روی استفاده‌های انسانی نیست، بلکه استفاده عقلایی از منابع است. ثانیاً مفهوم استفاده از منابع، طیف وسیعی را دربر می‌گیرد و انواع مختلفی دارد که همه آنها الزاماً به معنی استفاده فیزیکی از منابع نیست و فایده‌مندی بسیاری از استفاده‌های کیفی کمتر از استفاده فیزیکی نیست. در صورتی که این اصل بدیهی پذیرفته شود و در محاسبات سرانگشتی تصمیم‌گیران جایی داشته باشد منافع دراز مدت محیط طبیعی و منابع بیولوژیک آن فدای هرگونه بهره‌برداری اقتصادی و انتفاع لحظه‌ای نمی‌شود و نسل آتی نیز می‌تواند از ثمرات آن بهره‌مند گردد. تعارضات موجود در مناطق، در حقیقت اثرات تبعی طیف وسیعی از فعالیت‌های مخرب انسانی در کل طبیعت بوده و هم پیوندی کامل با آن دارند. چنین پدیده‌ای نه تنها همه تلاشها و سرمایه‌گذاری‌های انجام گرفته در چند دهه اخیر و در آینده را بی‌ثمر خواهد گذاشت بلکه امکان دستیابی به حداقل اهداف حفاظت را نیز از بین خواهد برد. از طرف دیگر، در جایی که کل طبیعت در روندی تخریبی قرار دارد، حفظ این الگوها در مساحت قلیل خود در مجموع سرنوشت محیط طبیعی کشور چه تأثیری خواهد داشت؟ پیش شرط دستیابی به اهداف چندجانبه آموزشی، پژوهشی، حفاظتی و تفرجگاهی در مناطق چهارگانه، حفظ و حراست آنها در برابر آن دسته از فعالیتهایی است که نه تنها با یکدیگر بلکه با اهداف اولیه تأسیس مناطق، تعارض نداشته و موجبات نابودی آنها را فراهم نکنند. حل تعارض بین فعالیتهای انسان و حفظ طبیعت در درون و بیرون از مناطق جدا از بعد اقتصادی - اجتماعی آنها، منوط به نوع

ویژه‌ای از مدیریت است که اراضی واقع در آنها از نظر توان اکولوژیک ارزیابی و برحسب استعداد و نوع استفاده، ناحیه‌بندی شوند. مناطق چهارگانه سازمان حفاظت محیط زیست مطلقاً بیگانه از این شرط اولیه بوده و به هیچوجه تحت پوشش آمایش قرار نداشته و به هسته‌های طبیعی، نواحی ضربه‌گیر پیرامونی و نواحی خاص استفاده‌های سازگار، ناحیه‌بندی نشده‌اند. به همین دلیل کلیه فعالیت‌های مؤثر انسانی موجود در آنها عملاً فعالیت‌های غیر عقلایی و اختلال برانگیز به شمار می‌روند که از یکسو هدف‌های اولیه از احداث آنها را خنثی کرده و از دیگر سو امکان اعمال هرگونه سیاستی را برای دستیابی به این هدفها عقیم می‌کنند. حفظ و حراست از مناطق زمانی ثمربخشی لازم را خواهد داشت که این مناطق در بطن یک طبیعت پایدار با بهره‌برداری معقول مورد حفاظت قرار گیرند. به عبارت دیگر حفاظت از درون مناطق به تنهایی برای بقاء درازمدت آنها کافی نبوده و باید اراضی پیرامونی نیز تاحدی عاری از بهره‌برداری غیر عقلایی شوند و حفاظت به عنوان یک هدف ثانویه در این اراضی مطرح باشد. عدم اعمال این نوع مدیریت، مناطق چهارگانه را بدل به جزایر کوچکی در متن یک طبیعت تخریب یافته خواهد نمود که از بافت و بستر اولیه خود جدا شوند و به نظام ناپایداری بدل خواهند شد که دائماً از طرف محیط پیرامون خود و عوامل اختلال برانگیز آن مورد تهدید قرار گرفته و از حاشیه رو به تخریب خواهند گذاشت و در نهایت وسعت آنها روز بروز از حد تعیین شده کاسته خواهد شد. وسعت و یکپارچگی مناطق از عوامل مؤثر در قوام و پایداری این نظامهای بسته بوده و در دستیابی به اهداف حفاظت نقش تعیین کننده دارند و کاهش وسعت آنها که معمولاً برای انتزاع مناطق از معارضات و انطباق مزرها، نه بر مبنای حدود واقعی و نیازهای مجموعه زیستی مناطق، بلکه برحد و حدودهای

بلامعارض انجام می‌گیرد، عملاً اختلالی است در نظام درون مناطق که موجودیت آنها را به مخاطره خواهد انداخت. علاوه بر این، مناطق حفاظت شده حتی در صورتی که عاری از عوامل تهدید کننده بیرونی نیز باشند، چنانچه از وسعت، تعداد کافی و انتخاب مناسب برخوردار نباشند یک واحد مؤثر حفاظتی نمی‌توانند تشکیل دهند. یک واحد مؤثر و پایدار حفاظتی متضمن برخورداری از تنوع بیولوژیک کافی است. فرآیند جداسازی یک جامعه بیولوژیک و اجزاء متشکله آن که در اثر انتزاع مناطق انجام می‌گیرد از یکسو باعث کاهش و ایزوله شدن زیستگاهها شده و از سوی دیگر بدلیل اینکه تنوع ژنتیکی کمتری را می‌پوشاند اهداف حفاظت را نمی‌توانند برآورده سازند. بقاء گونه بستگی به بزرگی جمعیت و تنوع ژنتیکی آنها دارد و در اثر انتزاع، انزواگرایی زیستگاهها و کاهش وسعت آنها تنوع بیولوژیک کاهش می‌یابد. در این میان بسیاری از عوامل مختل کننده بیرونی، عوامل تصادفی و فعالیت‌های ناسازگار با مدیریت در درون مناطق نیز می‌توانند بشدت مؤثر واقع شده و فرآیند انقراض گونه‌ها را تشدید کنند. درواقع هدف عمده از ایجاد مناطق حفاظت شده، گزینش و جداسازی بعضی از نواحی از تأثیرات تخریب و دگرگونیهای زیستگاهی برای حفظ تنوع بیولوژیک است. در صورت عدم انتخاب مناسب، با کاهش تنوع بیولوژیک این هدف در معرض تهدید قرار می‌گیرد. به همین دلیل هرچقدر وسعت و تنوع زیستگاههای مناطق بیشتر باشد اهداف حفاظت از مناطق در هر سه محور عمده ژن، گونه و اکوسیستم که مدیریتهای متفاوتی را طلب می‌کنند بیشتر تأمین می‌گردد. بهترین راه برای دستیابی به یک شناخت روشن از حداقل مساحت مورد نیاز برای حداقل جمعیت‌های قابل زیست ۱۹، بررسی مکانیسمهایی است که

برطبق آن تنوع بیولوژیک از طریق انتزاع، انزوا و کاهش وسعت زیستگاهها تقلیل می‌یابد. در این میان عواملی نظیر بهره‌برداری بی‌رویه، فعالیتهای ناسازگار، اختلالات زیستگاهی و آفت کشها می‌توانند نقش تعیین کننده داشته باشند ولی بدون شک دگرگونی و تغییرات زیستگاههای طبیعی عامل اصلی کاهش تنوع بیولوژیک به شمار می‌آید. برای جلوگیری از کاهش تنوع بیولوژیک و اثرات ناشی از انتزاع دو گزینه وجود دارد:

۱ - مداخله مستقیم انسان از طریق اعمال مدیریت زیستگاه و حیات وحش.

۲ - انتخاب مناطقی با وسعت کافی و تنوع زیستگاهی.

به هرجهت هزینه و مشکلات مدیریت زیستگاهها که در اغلب موارد بسیار بالاست با هزینه اولیه‌ای که در صورت انتخاب و کنار نهادن زیستگاههای وسیع و کافی بوجود می‌آید، باید مقایسه شوند. گزینه دوم از جانب دست‌اندرکاران زیست‌شناسی حفاظت به دلیل اینکه جلوگیری از توسعه بی‌رویه در اراضی پیرامونی مناطق حفاظت شده تاکنون کمتر میسر شده و این مناطق در اثر بهره‌برداری‌های بی‌رویه و اثرات توسعه در محیط به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند بیشتر مورد تأکید واقع شده است. این تأکید در مورد مناطق تحت حفاظت کشورهای که در معرض تهدید روند عمومی تخریب قرار دارند و از طرف دیگر فاقد نیروی انسانی کارآمد به تعداد کافی در امور مدیریت حیات وحش و زیستگاهها هستند بایستی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. مسلماً حفظ و حراست از مناطق لزوماً نیازمند نیروی انسانی کارآمد در زمینه‌های اجرایی، پژوهشی و ترویجی و برخورداری از امکانات کنترل و نظارت (وسایل دسترسی، امکانات استقرار، نیروی انسانی) کافی می‌باشد.

بررسی مناطق چهارگانه از نظر نیازهای اجرایی نشان

می‌دهد که مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست فاقد حداقل امکانات لازم برای حفظ و حراست خود در برابر طیف وسیع فعالیتهای اختلال برانگیز بوده و در نتیجه در برابر انواع فعالیتهای مخرب انسانی کاملاً بی‌دفاع هستند. در دهه اخیر هیچیک از مناطق حتی پارکهای ملی از تأثیرات اینگونه فعالیتهای مصون باقی نمانده‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت اهداف اولیه از تأسیس این مناطق بعد از گذشت چند دهه از حفاظت آنها نه تنها برآورده نشده بلکه در دهه اخیر بشدت نیز دور از دسترس شده است. در حال حاضر سیاستهای اعمال شده در مناطق منطبق با هیچیک از سیاستهای ضروری پیش‌بینی شده از طرف سازمانهای غیردولتی و زیربسط جهانی نبوده، در راستای یک برنامه راهبردی مشخص قرار ندارد، و عمدتاً بطور پراکنده حول محور حل مقطعی مشکلات جاری درون مناطق قرار دارد و در جهت تخفیف این تنشها عمل می‌کند. فعالیتهای مؤثر انسانی در طیفی گسترده و خارج از توان و ظرفیت این مناطق امکان هرگونه چشم‌اندازی را برای حفظ موجودیت آنها در آینده نزدیک از بین می‌برد. سازمان حفاظت محیط زیست به دلیل ناتوانیهای خود در کنترل و نظارت و قرار گرفتن در برابر عمل انجام شده صرفاً برای به تعویق انداختن اثرات ناشی از فعالیتهای مخرب انسانی روی مناطق و حفظ هسته‌های طبیعی آنها، تا دستیابی به روابط عادلانه‌ای بین انسان و طبیعت به عنوان نوعی ناحیه‌بندی ابتدایی و اضطراری، یک پنجم از مساحت مناطق حفاظت شده و پناهگاههای حیات وحش را محدوده امن اعلام نموده است. در واقع ایجاد محدوده‌های امن آخرین تلاش برای حفظ موجودیت مناطق در برابر روند رو به گسترش فعالیتهای ناسازگار و مخربی به شمار می‌رود که تقریباً کلیه مناطق را از کیفیت مطلوب گذشته خود نه تنها دور کرده بلکه موجودیت آنها را نیز تهدید

جدول شماره ۳- مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست

شماره ردیف	نام منطقه	مساحت به هکتار	شماره آخرین مصوبه	تاریخ آخرین مصوبه	محل جغرافیائی
۱	پارک ملی گلستان	۹۱۸۹۵	۹۷	۶۱/۶/۲۱	مازندران - خراسان - سمنان
۲	پارک ملی ارومیه	۴۶۳۶۰۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	آذربایجان شرقی و غربی
۳	پارک ملی بجو	۴۸۰۷۵	۳۳	۴۹/۱۲/۳۳	فارس
۴	پارک ملی کویر	۴۲۰۰۰۰	۱۰۲	۶۱/۶/۲۱	تهران - اصفهان
۵	پارک ملی تندوره	۳۰۷۸۰	۱۰۱	۶۱/۶/۲۱	خراسان
۶	پارک ملی خجیر	۱۱۵۷۰	۹۰	۶۱/۶/۲۱	تهران
۷	پارک ملی سرخه حصار	۹۳۸۰	۹۱	۶۱/۶/۲۱	تهران
۸	اثر طبیعی ملی خشکه داران	۲۲۷	۶۳	۵۴/۵/۲۱	مازندران
۹	اثر طبیعی ملی دهلران	۱۴۰۰	۷۲	۵۵/۵/۶	ایلام
۱۰	اثر طبیعی ملی سوسن سفید	۰/۶	۷۱	۵۵/۵/۶	گیلان
۱۱	اثر طبیعی ملی سرو (هرزویل)	۰/۶	۱۱۳	۶۶/۳/۲۰	گیلان
۱۲	پناهگاه حیات وحش آستارا (لوندویل)	۹۴۹	۶۳	۵۴/۵/۲۱	گیلان
۱۳	حیات وحش امیر کلابه	۱۲۳۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	گیلان
۱۴	پناهگاه حیات وحش انگوران	۲۸۶۰۰	۶۵	۵۴/۵/۲۱	زنجان
۱۵	پناهگاه حیات وحش بختگان	۳۲۷۸۲۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	فارس
۱۶	پناهگاه حیات وحش بیستون (ورمنجه)	۳۱۲۵۰	۶۶	۵۴/۵/۲۱	باختران
۱۷	پناهگاه حیات وحش توران	۵۶۵۰۰۰	۷۵	۵۵/۵/۶	سمنان
۱۸	پناهگاه حیات وحش خارکو	۳۱۲	۶۳	۵۴/۵/۲۱	بوشهر
۱۹	پناهگاه حیات وحش خبرورچون	۱۷۳۷۵۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	کرمان
۲۰	پناهگاه حیات وحش خوش ییلاق	۱۵۴۴۰۰	۱۱۷	۵۷/۹/۷	سمنان
۲۱	پناهگاه حیات وحش دز	۵۲۴۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	خوزستان
۲۲	پناهگاه حیات وحش کرخه	۳۶۰۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	خوزستان
۲۳	پناهگاه حیات وحش دشت ناز	۵۵	۶۳	۵۴/۵/۲۱	مازندران
۲۴	پناهگاه حیات وحش دودانگه	۶۷۰۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	مازندران
۲۵	پناهگاه حیات وحش سلکه	۳۶۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	گیلان
۲۶	پناهگاه حیات وحش شادگان	۲۹۶۰۰۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	خوزستان

شماره ردیف	نام منطقه	مساحت به هکتار	شماره آخرین مصوبه	تاریخ آخرین مصوبه	محل جغرافیائی
۲۷	پناهگاه حیات وحش شیدور	۱۶۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	هرمزگان
۲۸	پناهگاه حیات وحش قمیشلو	۴۹۲۵۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	اصفهان
۲۹	پناهگاه حیات وحش گلاه قاضی		۱۲۹	۶۹/۱۲/۷	اصفهان
۳۰	پناهگاه حیات وحش کیامکی	۸۴۴۰۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	آذربایجان شرقی
۳۱	پناهگاه حیات وحش مهرویه	۷۴۶۸	۶۳	۵۴/۵/۲۱	کرمان
۳۲	پناهگاه حیات وحش میاندشت	۵۲۰۰۰	۶۳	۵۴/۵/۲۱	خراسان
۳۳	پناهگاه حیات وحش میانکاله	۶۸۸۰۰	۷۸	۵۴/۵/۲۱	مازندران
۳۴	منطقه حفاظت شده ارزن	۵۲۸۰۰	۹۸	۶۱/۶/۲۱	فارس
۳۵	منطقه حفاظت شده ارسباران	۷۲۴۶۰	۴۳	۵۲/۹/۲۰	آذربایجان شرقی
۳۶	منطقه حفاظت شده اشترانکوه	۹۳۹۵۰	۱۸	۴۹/۶/۱۷	لرستان
۳۷	منطقه حفاظت شده البرز مرکزی	۳۹۹۰۰۰	۴	۴۶/۹/۲۸	تهران-مازندران
۳۸	منطقه حفاظت شده انگوران	۹۶۱۳۰	۶۵	۵۴/۵/۲۱	زنجان
۳۹	منطقه حفاظت شده بهرام گور	۳۸۵۰۰۰	۳۹	۵۱/۱/۱۶	فارس
۴۰	منطقه حفاظت شده بیجار	۷۲/۶۰۰	۱۰۵	۶۱/۶/۲۱	کردستان
۴۱	منطقه حفاظت شده بیستون	۵۸۰۵۰	۶۶	۵۵/۵/۶	باختران
۴۲	منطقه حفاظت شده پرور	۵۹۸۴۰	۷۰	۵۵/۵/۶	سمنان
۴۳	منطقه حفاظت شده شهرتوران	۱۲۹۵۴۰۰	۷۵	۵۵/۵/۶	سمنان
۴۴	منطقه حفاظت شده تندوره	۲۳۰۰۰	۱۰۱	۶۱/۶/۲۱	خراسان
۴۵	منطقه حفاظت شده تنگ صیاد	۲۷۰۰۰	۵۷	۵۲/۹/۲۰	چهارمحال و بختیاری
۴۶	منطقه حفاظت شده جاجرود	۵۱۶۵۰	۹۶	۶۱/۶/۲۱	تهران
۴۷	منطقه حفاظت شده جهان نما	۳۰۶۰۰	۵۱	۵۲/۹/۲۰	مازندران
۴۸	منطقه حفاظت شده حرا	۸۵۶۸۶	۸۶	۶۱/۶/۲۱	هرمزگان
۴۹	منطقه حفاظت شده حله	۴۲۶۰۰	۷۴	۵۵/۵/۶	بوشهر
۵۰	منطقه حفاظت شده ساریگل	۲۸۰۰۰	۹۹	۶۱/۶/۲۱	خراسان
۵۱	منطقه حفاظت شده شده سالوک	۱۶۰۰۰	۴۸	۵۲/۹/۲۰	خراسان
۵۲	منطقه حفاظت شده سراتی	۱۷۸۰۰	۸۷	۶۱/۶/۲۱	خراسان
۵۳	منطقه حفاظت شده سیاه کشیم	۴۵۰۰	۹۳	۶۱/۶/۲۱	گیلان
۵۴	منطقه حفاظت شده دز	۱۰۶۳۳	۶۳	۵۴/۵/۲۱	خوزستان

شماره ردیف	نام منطقه	مساحت به هکتار	شماره آخرین مصوبه	تاریخ آخرین مصوبه	محل جغرافیائی
۵۵	منطقه حفاظت شده کرخه	۹۴۲۷	۶۳	۵۴/۵/۲۱	خوزستان
۵۶	منطقه حفاظت شده کویر	۲۵۰۰۰۰	۱۰۲	۶۱/۶/۲۱	تهران
۵۷	منطقه حفاظت شده گاندو	۳۸۲۴۳۰	۹۹	۶۱/۶/۲۱	سیستان و بلوچستان
۵۸	منطقه حفاظت شده گنو	۲۷۵۰۰	۹۹	۶۱/۶/۲۱	هرمزگان
۵۹	منطقه حفاظت شده قرخود	۳۴۰۰۰	۹۷	۶۱/۶/۲۱	خراسان
۶۰	منطقه حفاظت شده لار	۲۸۰۰۰	۹۴	۶۱/۶/۲۱	تهران - مازندران
۶۱	منطقه حفاظت شده لیسار	۳۳۰۵۰	۸۰	۵۶/۶/۲۲	گیلان - آذربایجان شرقی
۶۲	منطقه حفاظت شده مراکان	۹۲۷۱۵	۱	۴۶/۶/۷	آذربایجان غربی
۶۳	منطقه حفاظت شده منو	۴۶۷۰۰	۷۳	۵۵/۵/۶	بوشهر
۶۴	منطقه حفاظت شده موته	۲۰۰۰۰۰	۱۳۰	۶۹/۱۲/۷	اصفهان - مرکزی
۶۵	منطقه حفاظت شده ورجین	۲۸۰۰۰	۸۹	۶۱/۶/۲۱	تهران
۶۶	منطقه حفاظت شده هامون	۱۹۳۵۰۰	۸	۴۷/۱۲/۱۸	سیستان و بلوچستان
۶۷	منطقه حفاظت شده هرمد	۱۵۱۲۸۴	۶۲	۵۳/۱۰/۴	فارس - هرمزگان
۶۸	منطقه حفاظت شده هفتادقله	۸۲۰۰۰	۱۱۵	۶۶/۷/۷	مرکزی
۶۹	منطقه حفاظت شده تایی بند	۱۹۵۰۰۰	۱۰۶	۵۷/۹/۷	بوشهر
۷۰	منطقه حفاظت شده جزایر فارور	۲۶۲۰	۱۱۲	۶۶/۳/۲۰	هرمزگان
۷۱	پناهگاه حیات وحش سمسکنده	۹۳۷	۶۳	۵۴/۵/۲۱	مازندران
۷۲	پناهگاه حیات وحش فریدونکنار	۱۴۸	۶۳	۵۴/۵/۲۱	مازندران
*	منطقه حفاظت شده سفیدکوه خرم آباد	۶۹/۵۰۰	۱۲۴	۶۹/۱۲/۷	لرستان
*	پناهگاه حفاظت شده کالمند		۱۲۳	۶۹/۱۲/۷	یزد
*	منطقه حفاظت شده دنا		۱۲۶	۶۹/۱۲/۷	کهکلیویه و بویراحمد
*	منطقه حفاظت شده سبزکوه		۱۲۵	۶۹/۱۲/۷	چهارمحال و بختیاری
*	منطقه حفاظت شده لشگردر	۱۶۰۰۰	۱۲۷	۶۹/۱۲/۷	همدان
*	رودخانه حفاظت شده چالوس				
*	رودخانه حفاظت شده کرج				
*	رودخانه حفاظت شده لار و هراز				
*	رودخانه حفاظت شده سرداب رود				

* مناطق جدید حفاظت شده

می‌کند. اهمیت توجه به این تعارضات از آن جهت است که در دگرگونی و تخریب زیستگاهها نقش عمده‌ای دارند.

تعارضات موجود در مدیریت مناطق

(فعالیت‌های ناسازگاران و ناهمسو با مدیریت)

مدیریت مناطق تحت حفاظت برای استفاده‌های چندجانبه به طوری که ارزشهای آنها مستمراً حفظ شود، در صورتی که بر مبنای استعداد اراضی به درستی طرح‌ریزی نشود می‌تواند صدمات بسیار زیادی به آنها وارد نماید. به این دلیل که بسیاری از فعالیتها ماهیتاً با یکدیگر توافقی ندارند و این نوع فایده‌مندیها در رقابت با یکدیگر قرار داشته و اهداف حفاظت را می‌توانند به کلی تحت‌الشعاع خود قرار دهند. از طرف دیگر فشارهای حاصل از فعالیت‌های مخرب انسانی در خارج از مناطق حفاظت شده، ناسازگاری و تعارضات موجود را تشدید کرده و در نتیجه کلیه ارزشهای مناطق را از جهت ویژگیهای بارز طبیعی، سیمای منحصر بفرد، کیفیت و کمیت تنوع اجتماعات زیستی به تخریب می‌کشاند. به ویژه زمانی که موضوع حفاظت در میان انواع فعالیتها به عنوان یک هدف اولیه مطرح باشد، با وجود این تعارضات امید بستن به حفظ موجودیت مناطق و دستیابی به اهداف حفاظت خوشبینی ساده‌لوحانه‌ای است.

عمده‌ترین تعارضات موجود در مناطق به قرار زیر هستند:

۱ - تعارض بین حضور دام و حیات وحش

الف - تعارض بین دام‌ها بر ظرفیت و نیازهای زیستی حیات وحش:

در اثر چرای بی‌رویه، خارج از فصل، زودرس و مازاد بر ظرفیت، عمده‌ترین منابع زیستی حیات وحش از حیثه دسترسی آنها خارج گشته و آنها را وادار به ترک زیستگاه اصل خود کرده است. چرای بی‌رویه و مسئله دام مهمترین معضل مناطق تحت حفاظت به شمار می‌رود. این تعارض در ۲۲ منطقه حفاظت شده، ۸ پناهگاه حیات وحش، ۲ پارک ملی، ۴ ذخیره‌گاه زیست سپهر و ۲ اثر طبیعی ملی کاملاً چشمگیر بوده و امنیت حیات وحش را مختل نموده و باعث پراکندگی آنها شده است.

ب - تعارض بین دام محلی و دام کوچنده

این نوع تعارض محدود به زیستی حیات وحش را تنگ‌تر کرده و آنها را از دسترسی به زیستگاههای خود باز می‌دارد. ضمناً فشار حاصل بر مراتع به ویژه در بخش‌های کوهستانی کم شیب، زیستگاههای برخی از حیات وحش کوه‌زی نظیر کوسپند وحشی را به تخریب می‌کشاند. این تعارض در کلیه مناطقی که دارای مراتع بیلاقی هستند دیده می‌شود و نمونه بارز آن منطقه حفاظت شده البرز مرکزی و منطقه حفاظت شده لار می‌باشد.

ج - تعارض بین بهره‌وری دامداران ذی‌صلاح و دامداران غیر واقعی

این نوع تعارض که در نهایت منجر به اجاره غیرمجاز مراتع و افزایش بی‌رویه دام در مناطق می‌شود، کلیه زیستگاهها را تخریب و فشار حاصل به عرصه‌های زیستی حیات وحش کشیده می‌شود. حضور دام مازاد در منطقه جدا از سلب امنیت، به ویژه در مقاطع حساس چرخه زندگی حیات وحش نظیر جفت‌گیری و زایمان وحوش اثرات ناگوار دیگری نیز برجای می‌گذارد و آن

تخریب زیستگاه و کاهش منابع غذایی است که حیات وحش را وادار به مهاجرت از زیستگاه اصلی خود کرده و آنها در خارج از زیستگاه، یا قابلیت سازگاری کمتری دارند و از بین می‌روند و یا به سهولت شکار می‌شوند. تقلیل آشکار حیات وحش در مناطق حفاظت شده به ویژه در مناطق کوهستانی عمدتاً به دلیل تخریب زیستگاه می‌باشد. چون حیات وحش کوه‌زی تا حدودی نسبت به حیات وحش دشت‌زی، قابلیت خود نگهداری بیشتری دارند و شکار غیرمجاز و بی‌رویه عامل تعیین کننده‌ای در کاهش آنها به شمار نمی‌رود.

۲ - تعارض بین قطع اشجار و جنگل‌زدایی با تقلیل ارزشهای زیستگاهی حیات وحش

نابودی پوشش گیاهی و جنگل‌زدایی به پشتیبانی تصمیم‌گیران محلی برای توسعه و آبادانی (مبتنی بر مردم‌گرایی ساده لوحانه یا هدفهای کاملاً آگاهانه و سودجویانه)، یا قطع غیرمجاز درختان برای نیازهای مصرفی توسط مردم باعث محدود شدن رویشگاه طبیعی گونه‌های با ارزش گیاهی از یکسو و کاهش وسعت و تخریب زیستگاه از سوی دیگر می‌گردد. این نوع فعالیت مخرب به همراه چرای بی‌رویه یا تبدیل اراضی، به شدت حفظ و نگهداری تنوع ژنتیکی گونه‌ها را در معرض تهدید قرار داده است. از طرف دیگر با کاهش سیستمهای جنگلی تنوع زیستگاهی تقلیل یافته و به همراه آن بسیاری از اجتماعات جانوری در معرض نابودی قرار می‌گیرند. با تخریب و کاهش جنگلهای جلگه‌ای در شمال یا جنوب کشور بهترین زیستگاه پرندگان شاخه نشین در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. ۱۵ منطقه حفاظت شده، ۷ پناهگاه حیات وحش ۶ ذخیره زیست سپهر تحت تأثیر این گونه فعالیت مخرب انسانی قرار داشته‌اند.

۳ - تعارض میان نیاز افراد محلی به سوخت در مناطق خشک و نیمه‌خشک و حفظ ارزشهای زیستگاهی

این نوع فعالیت غیرمنطقی از یکسو در مراتع بیلاقی جهت تبدیل فرآورده‌های دامی و از سوی دیگر در مناطق خشک دشتی جهت تأمین نیازهای سوختی انجام می‌گیرد. با توجه به آسیب‌پذیری و شکنندگی اکوسیستم‌ها در این مناطق از یک سو و مشکلات ترمیم و احیاء از سوی دیگر، این نوع فعالیت از ناسازگارترین و مخرب‌ترین بهره‌برداریهایی موجود در مناطق به شمار می‌رود. اهمیت پوشش گیاهی در این اکوسیستم‌ها جدا از ارزشهای زیستگاهی به دلیل تخریب حوضه آبخیزها و روند کویرزایی در مناطق دشتی موضوع حیاتی به شمار می‌رود. در این میان ۱۹ منطقه حفاظت شده، ۹ پناهگاه حیات وحش ۳ ذخیره گاه زیست سپهر و ۳ پارک ملی بشدت در معرض تهدید این نوع تعارض قرار دارند.

۴ - تعارض بین شکار غیرمجاز و حفظ تنوع و تراکم حیات وحش

بهره‌برداری از حیات وحش در مناطق حفاظت شده و پناهگاهها تنها براساس ارزیابی‌های زیستگاهی و تعیین جمعیت حیات وحش مجاز است. در برخی موارد در صورتی که استفاده از حیات وحش به بهبود شرایط زیستگاهی منطقه کمک نماید به تعداد مشخص نیز ممکن است پروانه شکار صادر شود. ولی شکار غیرمجاز به ویژه در مورد حیات وحش دشت‌زی امکان افزایش جمعیت را تا سالهای دوری از بین برده و مناطق تحت حفاظت در مقایسه با سالهای گذشته از این نظر به شدت تهی شده‌اند. شکار غیرمجاز در انواع خود از نظر نوعی، زمانی و طریقه‌یی در ۲۶ منطقه حفاظت شده، ۱۳ منطقه

پناهگاه حیات وحش، ۵ پارک ملی و ۶ ذخیره گاه زیست سپهر جمعیت گونه‌های مختلف حمایت شده پستانداران را بشدت تقلیل داده است. شکار غیرمجاز یکی از رایج‌ترین تخلفات در مناطق چهارگانه به شمار می‌رود.

۵ - تعارض بین سیاستهای مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست، با حمایت برخی از گونه‌های با ارزش کمیاب

برخی از گونه‌های با ارزش به دلیل قلت جمعیت و تخریب زیستگاهها در سطح جهانی مطرح بوده و حمایت از آنها مورد تأکید قرار گرفته است و کشورهای عضو کنوانسیونهای ذیربط متعهد به حمایت جدی از آنها می‌باشند. از جمله پرندگان با ارزش در این سطح، هوبره است که در زیستگاههایی نظیر موند، حله و اراضی دشتی و بوته‌زارهای خشک استان‌های بوشهر، هرمزگان، یزد و کرمان وجود دارد. این گونه، از دیر باز مورد توجه شیوخ عرب کشورهای همسایه بوده و جزو گونه‌هایی است که از طریق پرندگان شکاری قابل تربیت، شکار شده و تفریح سنتی و مورد علاقه شیوخ عرب به شمار می‌رود. این گونه از جمله پرندگان با ارزش زیستگاههای جنوب کشور است که دارای جمعیت خیلی بوده و هرگونه بهره‌برداری از آن ممنوع می‌باشد. ولی مسئولین تصمیم گیرنده سازمان حفاظت محیط زیست ظاهراً با استفاده از اختیارات خود بدون اینکه نظر کارشناسی مطرح بوده یا ارزیابی از کمیت آنها انجام گرفته باشد، به طور غیر اصولی تعهد حمایت از این گونه را زیرپا گذاشته و در مدت زمانی قابل توجه به برخی از شیوخ عرب اجازه شکار تفریح سنتی را داده بودند. اثرات این نوع سیاستهای غیراصولی بنا به هر دلیلی که باشد، در ابعاد داخلی مدیریت منطقه را مختل کرده و مردم را نسبت به

موضوع حفاظت همانند گذشته بدبین می‌کند و در سطح جهانی به دلیل زیرپا گذاشتن تعهدات حمایتی سازمان حفاظت محیط زیست اعتبار خود را در این زمینه از دست می‌دهد. حمایت از گونه‌های با ارزش موضوعی عام بوده و استثناء پذیر نیست.

۶ - تعارض بین زنده‌گیری و تجارت غیرقانونی پرندگان شکاری تربیت شونده با ارزش، با حفاظت آنها

تعدادی از پرندگان شکاری زیستگاههای تحت حفاظت یا مناطق آزاد نظیر شادگان، میانکاله، نای بند، موند، حله، قره قشلاق و شکارگاههای آزاد خوزستان (هنديجان و رامهرمز) و خراسان که خصلت تربیت پذیری دارند، از جمله گونه‌های با ارزشی به شمار می‌روند که در بازارهای جهانی به قیمتهای گزافی به فروش می‌رسند و متقاضیان اصلی آنها عمدتاً شیوخ عرب کشورهای خاورمیانه هستند. متأسفانه به علت فقدان یک سیستم کنترل و نظارت از طرف سازمان و همین طور وسعت و پراکندگی این گونه و شبکه قاچاق سازمان یافته، روز بروز زیستگاههای این پرندگان با ارزش از وجود آنها خالی می‌شوند. با وجود برخی اقدامات پراکنده نظیر جمع کردن کوخه‌های زنده‌گیری و دستگیری تعدادی از متخلفین هنوز تفوق آنها چشمگیر بوده و معضل همیشگی و سالانه زیستگاههای شمالی کشور در خرداد و تیر و زیستگاههای جنوبی کشور در مهر و آبان است.

۷ - تعارض بین احداث جاده (عشایری، روستایی و دسترسی عمومی) با وسعت و یکپارچگی مناطق

پاک تراشی جنگلها و مراتع برای ایجاد جاده‌های دسترسی از جمله فعالیتهاست که به دلیل عمق و

وسعت تخریب از یکسو و تجزیه مناطق از سوی دیگر اثرات غیرقابل جبرانی در مناطق برجای می‌گذارد. اثرات وجود جاده به عنوان جزئی از بافت دائمی آنها از یک جهت باعث سهولت دسترسی متخلفین به منطقه شده و از جهت دیگر به دلیل اختلال در امنیت حیات وحش باعث پراکندگی و کاهش آنها می‌گردد. مهمتر از همه جاده‌کشی غیراصولی وسعت و یکپارچگی مناطق را که برای موجودیت دراز مدت آنها ضروری است از بین می‌برد. ضمناً زیستگاههای حساس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نوع فعالیت که در تعارض کامل با بقاء مناطق قرار دارد ۹ منطقه حفاظت شده، ۷ پناهگاه حیات وحش، ۴ پارک ملی و ۴ ذخیره‌گاه زیست سپهر باعث کاهش آشکار ارزشهای منطقه شده‌اند.

۸ - تعارض بین استقرار واحدهای تولیدی غیرمجاز و تأسیسات با مدیریت مناطق

این گونه فعالیت‌های ناسازگار که ارزشهای زیستگاهی مناطق را به شدت کاهش می‌دهد طیف وسیعی از واحدهای متنوع را با اثرات متفاوت دربر می‌گیرد. این نوع فعالیتها علاوه بر کاهش وسعت زیستگاهها باعث آلودگیهای مختلفی در منطقه گشته و حتی ارزشهای زیبائی شناختی مناطق را نیز تقلیل می‌دهند. ایجاد هر نوع تأسیساتی چه به طور موقت و چه به صورت دائم فقط در موارد بسیار ضروری مجاز است و منحصرأ شامل مواردی است که وجود آنها جهت اداره منابع و ارائه خدمات عمومی یا مسائل پژوهشی ضروری است. تعداد، محل، اندازه و مختصات مکانی و فنی آنها باید به گونه‌ای محدود و بی‌عیب و نقص باشد که هیچگونه اختلالی را در زندگی حیات وحش ایجاد نکند. تسهیلات غیرضروری نظامی از طرف نهادها و تأسیسات تولیدی

مختلف از جانب سرمایه‌های خصوصی علاوه بر کاهش ارزشهای زیستگاهی و اختلال در مدیریت منطقه، هیچگونه سازگاری و ارتباطی با مدیریت منطقه ندارند. در این میان ۳ پارک ملی، ۳ منطقه حفاظت شده، ۳ پناهگاه حیات وحش و ۱ ذخیره‌گاه زیست سپهر هر یک به نوعی تحت تأثیر چنین فعالیتی قرار دارند.

۹ - تعارض بین بهره‌برداری از معادن طبقه ۱ (مصالح ساختمانی) با حفظ ارزشهای مناط

این نوع فعالیت اثرات تخریبی گسترده‌ای داشته و چون در رابطه با توسعه اقتصادی قرار دارد، پشتوانه کیفی ارزشهای مناطق قادر به بازداشتن از توسعه اینگونه فعالیتها نبوده است. به دلیل ماهیت این نوع بهره‌برداری که استفاده از مواد منفجره، حضور انسان و تردد وسایل نقلیه و سروصدا غیرقابل اجتناب است، اثرات تخریبی این نوع بهره‌برداری در ابعاد مختلف کلیه ویژگیهای بارز طبیعی منطقه را از نظر پوشش گیاهی، چشم‌اندازها، فرم زمین، منابع فرهنگی از بین می‌برد و باعث پراکندگی حیات وحش، اختلال در امنیت، مسدود شدن مسیرهای مهاجرت از یکسو و تشدید مهاجرت و ترک زیستگاه از سوی دیگر می‌گردد. از میان مناطق تحت مدیریت ۷ منطقه حفاظت شده، ۵ پناهگاه حیات وحش، ۲ پارک ملی و ۲ ذخیره‌گاه زیست سپهر در اثر این نوع فعالیت‌های مخرب ارزشهای خود را از دست داده و دچار دگرگونی شده‌اند.

۱۰ - تعارض بین پاک تراشی رستنی‌ها جهت تبدیل اراضی و حفظ موجودیت مناطق

بردن پوشش گیاهی زیستگاهها جهت استفاده‌های

زراعی بدون توجه به استعداد و قابلیت‌های آنها به ویژه برای توسعه زراعت دیم یا تثبیت مالکیت از طریق مردم یا هیئت‌های ۷ نفره واگذاری زمین یا به پشتیبانی برخی از نهادها باعث کاهش وسعت زیستگاهها، از بین رفتن منابع تغذیه حیات وحش و نابودی جوامع گیاهی گشته و کلیه ارزشهای منطقه را که موجودیت آنها وابسته به حضور این ارزشها است از بین می‌برد. تبدیل اراضی از جمله فعالیت‌هایی است که تخریب زیستگاه را به شدت تسریع می‌کند. تبدیل اراضی در مناطق جلگه‌ای تحت نفوذ توسعه شهری و در اراضی کم شیب مناطق کوهستانی به ویژه در مناطق خشک و نیمه خشک، اثرات غیرقابل جبرانی بر جای می‌گذارد و تهدیدی بسیار جدی برای موجودیت مناطق به شمار می‌رود. شایان ذکر است که ۱۶ پناهگاه حیات وحش، ۲۰ منطقه حفاظت شده و ۳ پارک ملی و ۶ ذخیره گاه زیست سپهر از جمله مناطقی به شمار می‌روند که در اثر این گونه فعالیت مخرب در معرض خطر قرار گرفته‌اند. اثر تبدیل اراضی به طور خاص روی زیستگاههای حساس و محدوده‌های امن بسیار تخریبگرانه و غیرقابل جبران است.

۱۱ - تعارض بین بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آبی و خشکانیدن تالابها با حفظ تنوع گونه‌ای اکوسیستمها

این نوع بهره‌برداری که در دهه اخیر صرفاً براساس طرحهای عمرانی مبتنی بر مردم گرایی ناآگاهانه شکل گرفته، حاصلی جز کاهش تنوع گونه‌ای اکوسیستم کشور، نابودی زیستگاههای پرندگان مهاجر آبی، کاهش جمعیت آنها و گاه نابودی گونه‌های با ارزش ندارد. خشکانیدن تالابها به خاطر تبدیل آنها به اراضی زراعی در دراز مدت نه تنها دستاوردی ندارد بلکه باعث انهدام قابلیت‌های یکی از مهمترین و زیاترین سیستم‌های

طبیعی کشور می‌گردد و این سوگنامه‌ای است که همگان کم و بیش از آن مطلع هستند. تالاب گندمان، چغاخور، انزلی از جمله تالابهایی هستند که گرفتار این معضل بوده‌اند.

۱۲ - تعارض بین پاک تراشی رستنیها جهت ایجاد مسیر انتقال نیرو و اهداف حفاظت

این نوع فعالیت اگرچه در سطحی قابل توجه تخریبی به بار نمی‌آورد ولی در مورد زیستگاههای حساس و آثار طبیعی و ملی که از مساحت محدودی برخوردار هستند اثرات آنها غیرقابل تردید است. این نوع فعالیت در ۳ منطقه حفاظت شده، ۴ پناهگاه حیات وحش و ۱ اثر طبیعی ملی مؤثر بوده و ضمن اختلال در یکپارچگی مناطق اهداف حفاظت را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

۱۳ - تعارض بین توسعه و نفوذ آلودگیهای زیست محیطی با حفاظت مناطق

اغلب طرحهای توسعه و فعالیت‌های اقتصادی در اراضی پیرامون مناطق چهارگانه به دلیل فقدان برنامه ارزیابی اثرات توسعه در محیط، دارای اثرات سوئی بر ارزشهای درون مناطق می‌باشند. تأثیر اینگونه فعالیتها بر روی رودخانه‌های داخلی و محیط‌های آبی و آبریزان بسیار چشمگیر است. فاضلابهای صنعتی، پس مانده فرآیندهای تولیدی از عوامل اصلی تخریب زیستگاههای آبی است که با تغییر اسیدیته آب، تسریع واکنشهای شیمیایی، کاهش قدرت خودپالایی و تصفیه آب، شرایط زیستی آبریزان را به مخاطره می‌اندازد و باعث مرگ و میر آنها می‌شود. آلودگیهای ناشی از سموم دفع آفات نباتی، دفع بیماریهای انسانی (مالاریا)، کودهای شیمیایی، فاضلابها و

جدول شماره ۴ - فعالیت‌های مخرب انسانی مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست

شماره ردیف	فعالیت‌های مخرب		شکار غیرمجاز	قطع اشجار	بوته‌کشی	تبدیل اراضی	جاده‌کشی	بهربرداری از معادن	خطوط انتقال نیرو	چرای بی‌رویه
	نام منطقه	انسانی								
۱	پارک ملی گلستان		●							
۲	" " ارومیه					●				
۳	" " بמו		●			●				
۴	" " کویر		●	●		●				
۵	" " تندوره		●							
۶	" " خجیر		●	●	●	●		●	●	
۷	" " سرخه حصار		●	●	●	●			●	
۸	اثر طبیعی ملی خشکه‌داران			●					●	
۹	" " دهلران								●	
۱۰	" " سوسن سفید			●					●	
۱۱	" " سروهزرویل									
۱۲	پناهگاه حیات وحش لوندویل		●	●	●	●		●		●
۱۳	" " امیر کلایه			●						
۱۴	" " انگوران		●	●	●				●	
۱۵	" " بختگان		●	●	●	●			●	
۱۶	" " بیستون (ورمنجه)		●	●	●	●			●	
۱۷	" " توران			●					●	
۱۸	" " خارکو - خارک			●					●	
۱۹	" " خبر ورچون		●	●	●	●			●	
۲۰	" " خوش بیلاق		●	●	●	●			●	
۲۱	پناهگاه حیات وحش دز		●	●	●	●		●		●
۲۲	" " کرخه		●	●	●	●			●	
۲۳	" " دشت ناز									
۲۴	" " دوانگه		●						●	
۲۵	" " سلکه			●	●				●	
۲۶	" " شادگان		●	●	●				●	

شماره ردیف	فعالیت‌های مخرب		شکار غیرمجاز	قطع اشجار	بوته‌کشی	تبدیل اراضی	بهره‌برداری از معادن	جاده‌کشی	خطوط انتقال نیرو	چرای بی‌رویه
	نام منطقه	انسانی								
۲۷	"	" شیدور	●							
۲۸	"	" قمیشلو	●		●	●	●			●
۲۹	"	" کلاه قاضی	●		●	●	●	●		●
۳۰	"	" کیامکی	●		●	●	●	●		●
۳۱	"	" مهرویه	●	●	●	●	●			●
۳۲	"	" میان‌دشت	●		●	●	●			●
۳۳	"	" میانکاله	●	●	●	●	●			●
۳۴		منطقه حفاظت‌شده ارژن	●	●	●	●	●			●
۳۵	"	" ارسباران	●	●	●	●	●			●
۳۶	"	" اشتران کوه	●	●	●	●	●			●
۳۷	"	" البرز مرکزی	●	●	●	●	●			●
۳۸	"	" انگوران	●		●	●	●	●	●	●
۳۹	"	" بهرام گور	●	●	●	●	●	●		●
۴۰	"	" بیجار	●		●	●	●			●
۴۱		منطقه حفاظت‌شده بیستون	●	●	●	●	●			●
۴۲	"	" پرور	●	●	●	●	●		●	●
۴۳	"	" توران	●	●	●	●	●			●
۴۴	"	" تندوره	●	●	●	●	●			●
۴۵	"	" تنگ صیاد	●		●	●	●	●	●	●
۴۶	"	" حاجرود	●	●	●	●	●			●
۴۷	"	" جهان نما	●	●	●	●	●			●
۴۸	"	" حرا		●						
۴۹	"	" حله		●						
۵۰	"	" ساریگل	●		●					●
۵۱	"	" سالوک		●						●
۵۲	"	" سرانی			●	●				●
۵۳	"	" سیاه‌کشیم			●	●				●

شماره ردیف	فعالیت‌های مخرب		شکار غیرمجاز	قطع اشجار	پوتنه‌کنی	تبدیل اراضی	بهره‌برداری از معادن	جاده‌کشی	خطوط انتقال نیرو	چرای بی‌رویه
	نام منطقه	انسانی								
۵۴	"	" دز	●	●	●	●		●	●	●
۵۵	"	" کرخه	●	●	●	●		●	●	●
۵۶	"	" کویر	●	●	●	●	●	●		●
۵۷	"	" باهوکلات	●	●	●	●				●
۵۸	"	" گنو	●	●	●	●	●	●		●
۵۹	"	" فرخود	●	●	●	●				●
۶۰	"	" لار	●	●	●	●	●			●
۶۱		منطقه حفاظت‌شده نیسار	●	●	●	●				●
۶۲	"	" مراکان	●	●	●	●	●	●		●
۶۳	"	" موند	●	●	●	●				●
۶۴	"	" موته	●	●	●	●	●	●	●	●
۶۵	"	" ورجین	●	●	●	●				●
۶۶	"	" هامون	●	●	●	●	●			●
۶۷	"	" هرمود	●	●	●	●	●			●
۶۸	"	" هفتادقله	●	●	●	●		●		●
۶۹	"	" نای بند	●	●	●	●	●			●
۷۰	"	" جزایر فارور	●	●	●	●	●			●
۷۱		پناهگاه حیات وحش سمکیده	●	●	●	●				●
۷۲	"	" فریدون کنار	●	●	●	●				●
۷۳	"	" کالمند	●	●	●	●	●	●		●
*	"	" سبزکوه	●	●	●	●				●
*	"	" لشگردر	●	●	●	●				●
*	"	" سفیدکوه	●	●	●	●	●			●
*	"	" دنا	●	●	●	●				●

* مناطق جدید حفاظت شده

پس مانده‌های شهری و صنعتی چه به طور مستقیم و چه از طریق چرخه آب به داخل محیط‌های آبی کشیده می‌شود. آلودگی رودخانه‌های جاجرود تهران، قره سو در کرمانشاه، کر در شیراز، زرجوب در رشت، برف آباد در اسلام آباد از موارد قابل ذکر هستند.

عوامل تشدید کننده در اختلالات و نارسائی‌های مدیریت مناطق چهارگانه

طیف وسیع فعالیت‌های ناسازگار با مدیریت مناطق را که باعث تخریب و انهدام آنها می‌گردد نمی‌توان به عنوان علل تخریب آنها به حساب آورد. این نوع برداشت کلیه راه‌حلهای اساسی در جهت تغییر بنیادی خط مشی‌های نادرست گذشته و فائق آمدن به مشکلات کنونی مناطق چهارگانه را می‌تواند به بن بست کشاند. این نوع فعالیت‌های ناهماهنگ، بی‌رویه و مخرب ابتدا معلول علت‌هایی است که ریشه در نارسائی‌های بنیانهای اقتصادی - اجتماعی داشته و مؤلفه‌های این نارسائی‌ها در دستگامها و سازمانهای ذیربط در امور منابع طبیعی به صورت انواع ناهماهنگی و ناهنجاری‌های مدیریت و در عرصه طبیعت به صورت طیفی از فعالیت‌های تخریبی ظاهر شده و به دلیل هم پیوندی، متقابلاً همدیگر را تشدید می‌کنند. به همین جهت بی‌دلیل نیست که دامنه تخریب، با ژرفش معضلات اجتماعی - اقتصادی روز بروز گسترده‌تر شده و به معضلات کور و غیرقابل مهارتی تبدیل می‌شوند. علاوه بر این، عوامل متعدد دیگری نیز در تهی کردن ارزشهای مناطق سهمیم بوده‌اند که برخی از آنها میراث گذشته هستند ولی بخش عمده‌ای که در تشدید فعالیت‌های تخریب‌زا، در مناطق نقش اساسی دارند ریشه در نارسائی‌ها و ناهنجاریهای دهه اخیر دارند که کماکان پا برجا هستند.

عمده‌ترین عوامل تشدید کننده در توسعه فعالیت‌های ناهمسو با مدیریت مناطق به قرار زیر می‌باشند:

۱ - ناهماهنگی بین سازمانهای ذیربط در امور منابع طبیعی و سازمان حفاظت محیط زیست در خصوص بهره‌برداری معقول از منابع موجود در مناطق چهارگانه.

۲ - عدم وجود همترازی نسبی بین اهمیت اقتصادی و زیست محیطی منابع بیولوژیک در سطح تصمیم‌گیران دولتی و در نهایت تفوق ارزش اقتصادی آنها به قیمت نابودی منابع مناطق چهارگانه.

۳ - واژگونگی سیر مراحل قانونی و اداری در امر بهره‌وری از منابع واقع در مناطق چهارگانه به دلیل بی‌اهمیت بودن ارزش زیست محیطی منابع در تصور مسئولین و قرار دادن سازمان حفاظت محیط زیست در برابر عمل انجام شده یا تخطی آشکار از قوانین پذیرفته شده آن.

محیط زیست معمولاً در آخرین مرحله از فرآیند تصمیم‌گیری در مورد مناطق تحت مدیریت خود بوسیله سایر سازمانها و دواير دولتی از نتیجه تصمیمات اتخاذ شده (عمدتاً واگذاری اراضی جهت فعالیت‌های تولیدی) با خبر می‌شود و در صورت مخالفت نیز به عنوان یک سازمان بازدارنده توسعه اقتصادی معرفی می‌شود. در حالی که اخلاق و مصلحت حکم می‌کند نظر سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان متولی قانونی این اراضی در ابتدای امر در نظر گرفته شود و در صورت موافقت آن، بقیه مراحل اداری برای اجرای طرحهای توسعه طی شود، تا اختلالی در مدیریت و برنامه‌های سازمان در خصوص این مناطق بوجود نیاید.

۴ - سمت‌گیری نامشخص سازمان حفاظت محیط زیست در برابر معضلات موجود و فقدان یک برنامه راهبردی مشخص به دلیل ناهمگونی و نابرابری ترکیب و ساختار پیکره آن، از جهت اجرایی و پژوهشی و به طریق

اولی فقدان برنامه‌های ویژه کوتاه مدت و دراز مدت مشخص در رفع معضلات مناطق.

۵ - ناتوانی مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست در برابر سایر ارگانها و سازمانهای همپایه از جهت حفظ نیروی انسانی موجود، ایجاد انگیزه و جذب نیروی انسانی کارآمد و در نهایت فقدان تحرک درونی برای تکامل و فائق آمدن بر معضلات زیست محیطی کشور. مقایسه نیروی انسانی پژوهشگران در سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۵۷ در سازمان مرکزی ۹۰ درصد افت نشان می‌دهد.

۶ - ناتوانی امور اجرایی به دلیل عدم توجه به کاستیها در خصوص امکانات، نیازها، انگیزه‌ها و آموزش نیروی انسانی ضروری، جهت کنترل و نظارت و حفظ موجودیت مناطق .

۷ - فقدان متولی و نماینده‌ای دلسوز، آگاه و پرشور از جانب سازمان حفاظت محیط زیست در هیئت دولت برای دفاع از موجودیت، اهداف و برنامه‌های آن در دهه‌ی اخیر و بی‌دفاع شدن آن در برابر مقاصد برنامه‌های صرفاً اقتصادی سایر سازمانها .

۸ - واژگونگی فرآیند شکل‌گیری مناطق چهارگانه و عدم احقاق حقوق مردم یا سهم شدن آنها در فایده‌مندی مناطق آنگونه که شایسته حفظ آنها است و تقابل، یابی تفاوتی آنها به جای مشارکت در حفظ منابع طبیعی.

۹ - ضعف قوانین زیست محیطی در برابر آن دسته از منابع طبیعی که سایر ارگانهای دولتی نیز در بهره‌وری از آنها به طریقی ذینفع هستند و در نهایت عقب نشینی سازمان در برابر بهره‌برداری از آنها.

۱۰ - ضعف سازمان حفاظت محیط زیست در خصوص ارائه ملاکهای کمی و قطعی روی مسائل متعدد زیست محیطی به دلیل عدم وجود پیشینه پژوهشی کافی،

فقدان توان و روشهای ارزیابی و فقر آشکار در زمینه‌های تخصصی.

۱۱ - فقر مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست از جهت دانش و بینش زیست محیطی و عدم توانائی آن برای دفاع از ارزشهای کیفی منابع بیولوژیک در برابر ارزشهای کمی آنها.

۱۲ - فقر مدیریت مناطق از جهت بهره‌وری چندجانبه از قابلیت‌های آنها و فقدان توانائی کافی از جهت پژوهشی - اجرایی و تفوق متخلفین از جهت امکانات دسترسی و تخریبی در برابر امکانات محدود کنترل و نظارت مناطق، و نداشتن پشتوانه حمایتی در برابر سایر ارگانهای ذینفع.

۱۳ - عدم توجه به تکامل شکل و مضمون حفاظت در سیستم‌های حفاظتی و انطباق آن با نیازها و واقعیت‌های روزمره در جهت سهم کردن مردم و مؤسسات در امر حفاظت و دست‌آوردهای آن برای تضمین موجودیت درازمدت آنها.

۱۴ - ضعف سازمان حفاظت محیط زیست در تنویر افکار عمومی و اقناع تصمیم‌گیران در خصوص اهمیت حیاتی منابع بیولوژیک مناطق چهارگانه برای توسعه پایدار و قبولاندن ابعاد فاجعه‌انگیز تخریب در سطح طبیعت به طور عام و در سطح مناطق چهارگانه در سطح خاص.

۱۵ - نفي دوره‌ای عملکردها، برنامه‌ها و حتی ضرورت وجودی سازمان حفاظت محیط زیست به تبع تغییر مدیریت‌ها در طول یک دهه اخیر و تداوم بی‌ثباتی و تزلزل در درون سازمان که همین خود برای گسترش فعالیت‌های مخرب انسانی در مناطق و بی‌تحرکی سازمان در کنترل و نظارت آنها به تنهایی کافی است.

۱۶ - تردید و ناباوری در خصوص اهمیت منابع بیولوژیک مناطق چهارگانه از سوی تصمیم‌گیران دولتی،

به ویژه در سطح مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست، در نتیجه فقدان یک پشتوانه حمایتی مطمئن در سطح دولت برای حفاظت نگهداری مستمر آنها باید اعتراف کرد که جا انداختن همترازی ارزشهای زیست محیطی و اقتصادی مناطق تحت حفاظت در کشورهای جهان سوم به دلیل پائین بودن سطح دانش و فرهنگ زیست محیطی امری دشوار است. ولی فاجعه آمیزتر از آن زمانی است که مسئولین و تصمیم گیران سازمان محیط زیست نه تنها اعتقادی به همترازی این ارزشها بلکه فراتر از آن اعتقادی به حفاظت ارزشهای زیست محیطی زیستمدان نداشته، یا درماهیت آن دچار تردید باشند.

۱۷ - عدم وجود یک سیستم ارزشیابی صحیح و کارا، مبتنی بر سنجش میزان امکانات و میزان فعالیتها در سیستم مدیریت سازمان و بکار نگرفتن ابتکارات ویژه از قبیل ایجاد انگیزه و نظایر آن جهت تشدید فعالیت برای جبران برخی از نارسائیها در کلیه سطوح. نتیجه چنین غفلتی آن است که مرزبین افراد کارآمد، علاقمند و فعال را با افراد ناسودمند کاملاً مخدوش کرده و بی تفاوتی نسبت به سرنوشت مناطق را در کلیه سطوح اجرایی، پژوهشی و اداری رواج داده و روند تخریب را تشدید کرده است.

پیوست

فهرست مناطق تحت مدیریت و نظارت سازمان حفاظت محیط زیست

۱ - پارکهای ملی

گلستان، کویر مرکزی، دریاچه ارومیه، تندوره، خجیر، سرخه حصار، بمو

۲ - مناق حفاظت شده

موته، بیجار، تنگ صیاد، اشتران کوه، حله، نای بند، موند، انگوران، پرور، باهوکلالت، هامون، کویر مرکزی، جاجرود، لار، البرز مرکزی، ورجین، هفتاد قله، لیسار، جهان نما، مراکان، بهرام گور، هرمود، ساریگل، قرخود، سرانی، سالوک، تندوره، ارسباران، بیستون، دز، کرخه، فارو، توران، حرا، گنو، ارژن، سیاه کشیم.
(کالمند، سبزکوه، لشگردر، سفیدکوه، دنا)

۳ - پناهگاههای حیات وحش

سلکه، امیرکلایه، لوندویل، دشت ناز، سمسکنده، کیامکی، بیستون (ورمنجه)، دز، کرخه، شادگان، بختگان، خبرورچون، مهرئی، میان دشت، قمیشلو، کلاه قاضی، خوش بیلاق، انگوران، توران، دودانگه، شیدور، میانکاله، فریدون کنار، خارکو.

۴ - آثار طبیعی و ملی

سوسن چلچراغ - دهلران (غار خفاش و چشمه های قیر) - سروهای هرزویل - خشکه داران.

۵ - تالابهای بین المللی

- ۱ - شبیه جزیره میانکاله، خلیج گرگان و آب بندان لپوی زاغمرز
- ۲ - دریاچه پریشان و دشت ارژن
- ۳ - دریاچه ارومیه
- ۴ - دریاچه نیریز و تالاب کمجان
- ۵ - تالاب انزلی
- ۶ - تالاب شادگان، خورالامیه و خورموسی
- ۷ - هامون صابری
- ۸ - دریاچه قوبی
- ۹ - انتهای جنوبی هامون پوزک
- ۱۰ - دریاچه شورگل، یادگارلو، دورگه سنگی

۱۱ - کولاب بندر کياشهر، دهنه سفید رود

۱۲ - درياچه اميرکلايه

۱۳ - درياچه قوری گل

۱۴ - درياچه آلاگل، الماگل، آجی گل

۱۵ - تنگه خوران

۱۶ - دلتای رودشور، رودشیرین و رودمیناب

۱۷ - دلتای رودگز و رودحرا

۱۸ - درياچه گاوخونی و تالابهای پائین دست زاینده

رود

۶ - مناطق شکار ممنوع

- استان زنجان: با شگل (قوچ و میش)، دشت

سهرین (آهو)

- استان آذربایجان: قره قشلاق (میش مرغ)

- استان آذربایجان غربی: یکانات (گدار قوچ و میش

ارمنی)، نیزارهای گرده قیت (پرندگان آبی) جزیره

اسلامی (قوچ و میش) آغگل (قوچ و میش ارمنی و

پرندگان آبی)

- استان ایلام: کوههای شره زول، مانشت، بانکول و

قلارنگ (کل و بز - قوچ و میش)

* - استان چهارمحال: سبزکوه (کل و بز)

- استان کردستان: منطقه دی نسا یا دشت

چهاردولی (میش مرغ)

- استان بوشهر: کوه موند (قوچ و میش)

استان مازندران: لنور، رزن، چلاو (مرال، شوکا،

قرقاول) عزیزآباد، بانکلاته کردکوی (قرقاول)

- استان خوزستان: دیمه (آهو - قوچ و میش)

- استان هرمزگان: حاجی آباد (جیبر - کل و بز -

قوچ و میش)

- استان کرمان: کوه بیدو (آهو)، کوه نو درهنگ،

سیاه کوه (کل و بز - قوچ و میش)، کوه انجرک (کل و

بز)

- استان همدان: دشت اسدآباد (میش و مرغ)

* کوه لشگر در (قوچ و میش)

* - استان یزد: کالمند (آهو - هوبره)

- استان اصفهان: سیاه کوه نجف آباد و عمر کوه

(کل و بز - و قوچ و میش)

- استان فارس: میان جنگل فسا (کل و بز - قوچ و

میش) گورم جهرم (کل و بز - قوچ و میش) خرمن کوه

(قوچ و میش)

- استان لرستان: سفیدکوه (سنجاب ایرانی و شکار

کوهزی)

- استان مرکزی: کوه چنار (کل و بز)

- استان خراسان: دهنه حیدری (کل و بز - قوچ و

میش)

- استان کهگیلویه - بویراحمد: منطقه کوهخیز (کل

و بز)

۷ - رودخانه‌های داخلی حفاظت شده

رودخانه چالوس، سرداب رود، لار و هراز، جاجرود،

کرج

۸ - اندوختگاههای زیست سپر

پارک ملی کویر مرکزی، گلستان، درياچه ارومیه،

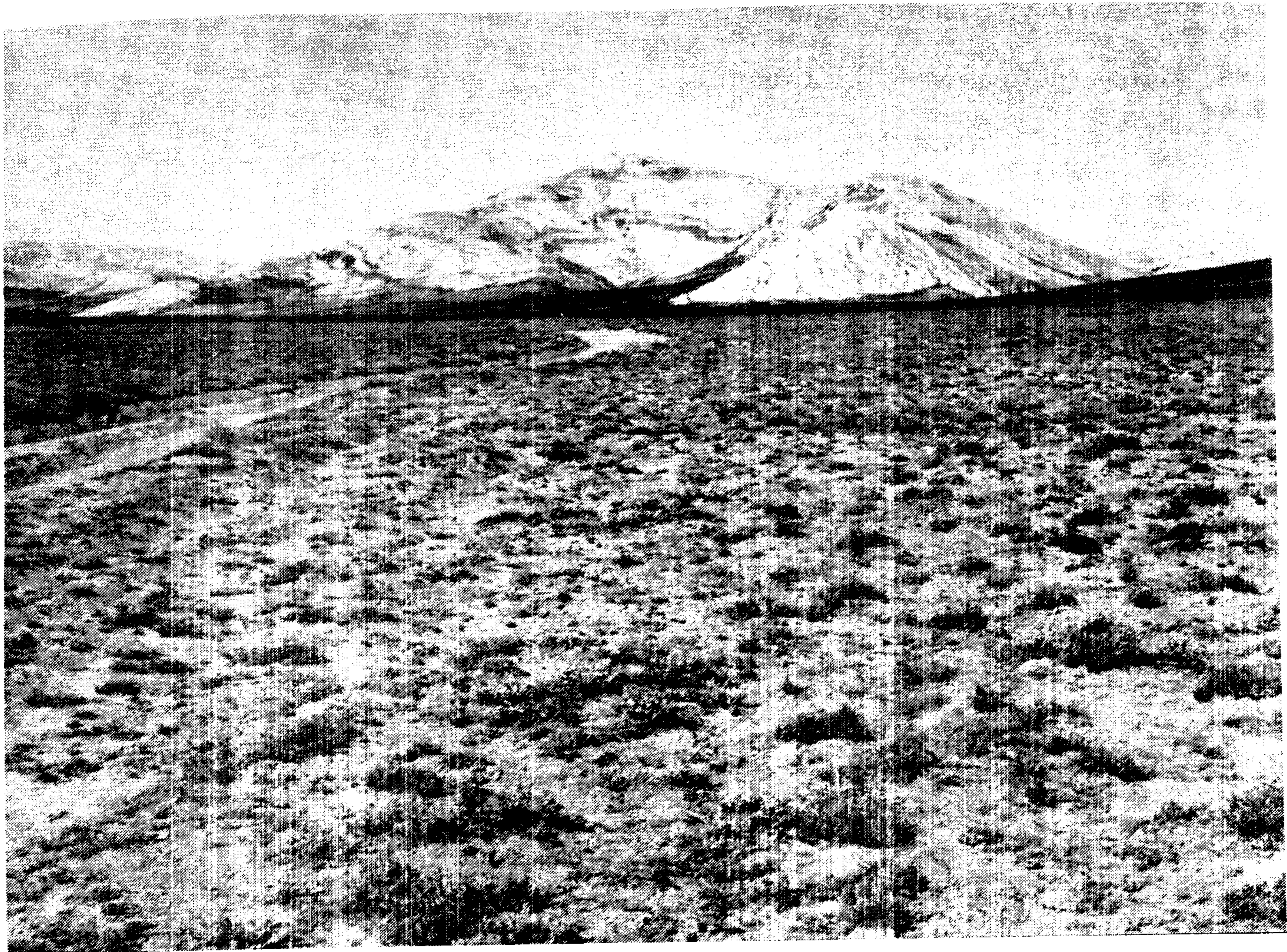
پناهگاه حیات وحش، میانکاله، منطقه حفاظت شده

ارسباران، ارژن، توران، حرا و گنو

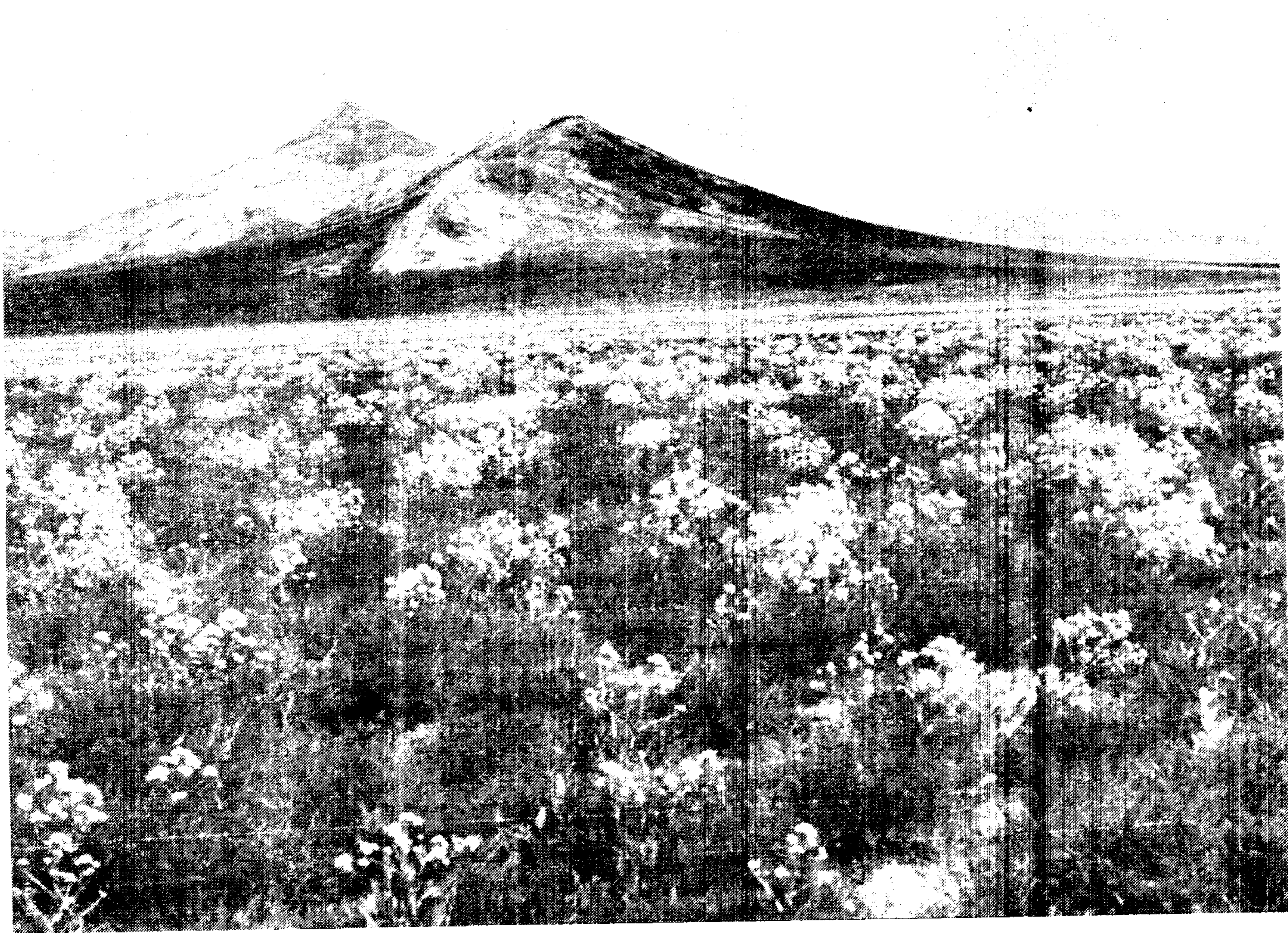
* مناطق فوق به فهرست مناطق چهارگانه وارد

شده‌اند.

11. Borodin, et al. 1983 The System of Natural Areas in the U.S.S.R. First International B.R.Congress, Minsk, Byelorussia U.S.S.R./UNESCO/UNEP.
12. Bowonder. B. 1986. Deforestation in Developing Countries. J. Environ Systems, Vol, 15(2).
3. Macfarland, C. 1983. Relating the B.R. to Other Protected Areas. U.S.S.R/ UNESCO/UNEP.
14. Miller, K. 1983. Biospher Reserves and the Global Network of Protected Areas. U.S.S.R / UNESCO / UNEP
15. Nasimovich, A. A. and Isakov, y. 1983. Preservation of Model Ecosystems in Reserves: Problems and Their Possible Solutions B.R. Congress, Minsk, U.S.S.R / UNESCO / UNEP.
16. Neville, G. 1975. The Role of N.P. and Reserves in the Economic Development. IUCN.
17. Soule, M.E. 1983. Application of Genetics and Population Biology. U.S.S.R /UNESCO/UNEP.
18. Wilcox, B. A. 1982. Conservation of Genetic Resources. Determinants Minimum Area Rem. National Parks, Conservation and Development, IUCN/CNPPA/ Proceedings of the world congress on N.P. Bali, Indonesia. Smithsonian Institution Press, washington, D.C.
19. World Conservation Strategy 1980. Priority Requirements, Genetic Diversity. IUCN/UNEP/WWF.
20. World Conservation Strategy 1980. A Global Programe for the Protection of Genetic Resource Areas. IUCN/UNEP/WWF.
21. Yablokov, A,V. 1986. Population Biology. Mir Publishers.
- ۱ - زارع زاده، م.، - شامخی، ت و - فکری، ا ۱۳۶۵ - همراه با جلسه نهمین کنگره جهانی جنگل - مجله جنگل و مرتع. شماره ۳.
- ۲ - غروی - محمدحسین، فاجعه در کمین ما - مجله علمی جنگل و مراتع شماره ۳: ص ۱۲-۱۳.
- ۳ - کرمی، م. ۱۳۶۵. نظریه جغرافیای زیستی جزیره و اهمیت آن در مدیریت و گزینش ذخائر طبیعی - مجله محیط شناسی - شماره ۱۴.
- ۴ - مجنونیان، ه. ۱۳۶۷. ضرورت ایجاد تغییرات بنیادی در سازمان محیط زیست - معاونت تحقیقاتی سازمان محیط زیست.
- ۵ - مجنونیان، ه. ۱۳۶۶ بررسی وضعیت موجود مناطق تحت مدیریت سازمان محیط زیست در روند تخریب محیط طبیعی کشور - دفتر ریاست سازمان محیط زیست.
- ۶ - مجنونیان، ه. ۱۳۶۸. طرح سامان بخشی مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان محیط زیست - دفتر امور اجرائی - محیط زیست طبیعی.
- ۷ - مجنونیان، ه. ۱۳۶۸. بررسی وضع موجود و گذشته محیط زیست طبیعی - اهداف، وظایف و سیاستهای زیربخش محیط زیست طبیعی - دفتر برنامه ریزی - برنامه پنجساله دوم محیط زیست کشور.
- ۸ - مجنونیان ه. ۱۳۶۵. پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده - مجله محیط شناسی - شماره ۱۴.
- ۹ - یارمند ح. ۱۳۶۸. فاجعه نابودی گونه‌ها (ترجمه) - فصلنامه محیط زیست شماره ۴ ص ۱۶-۸.
10. Batisse, M. 1984 Action Plan for Biospher Reserves. UNESCO Nature and Resources Reprint from Vol. XX, No4.



نمایی از خوش ییلاق و اثرات استفاده بیرویه از آن. عکس از فریبرز شکرایی.

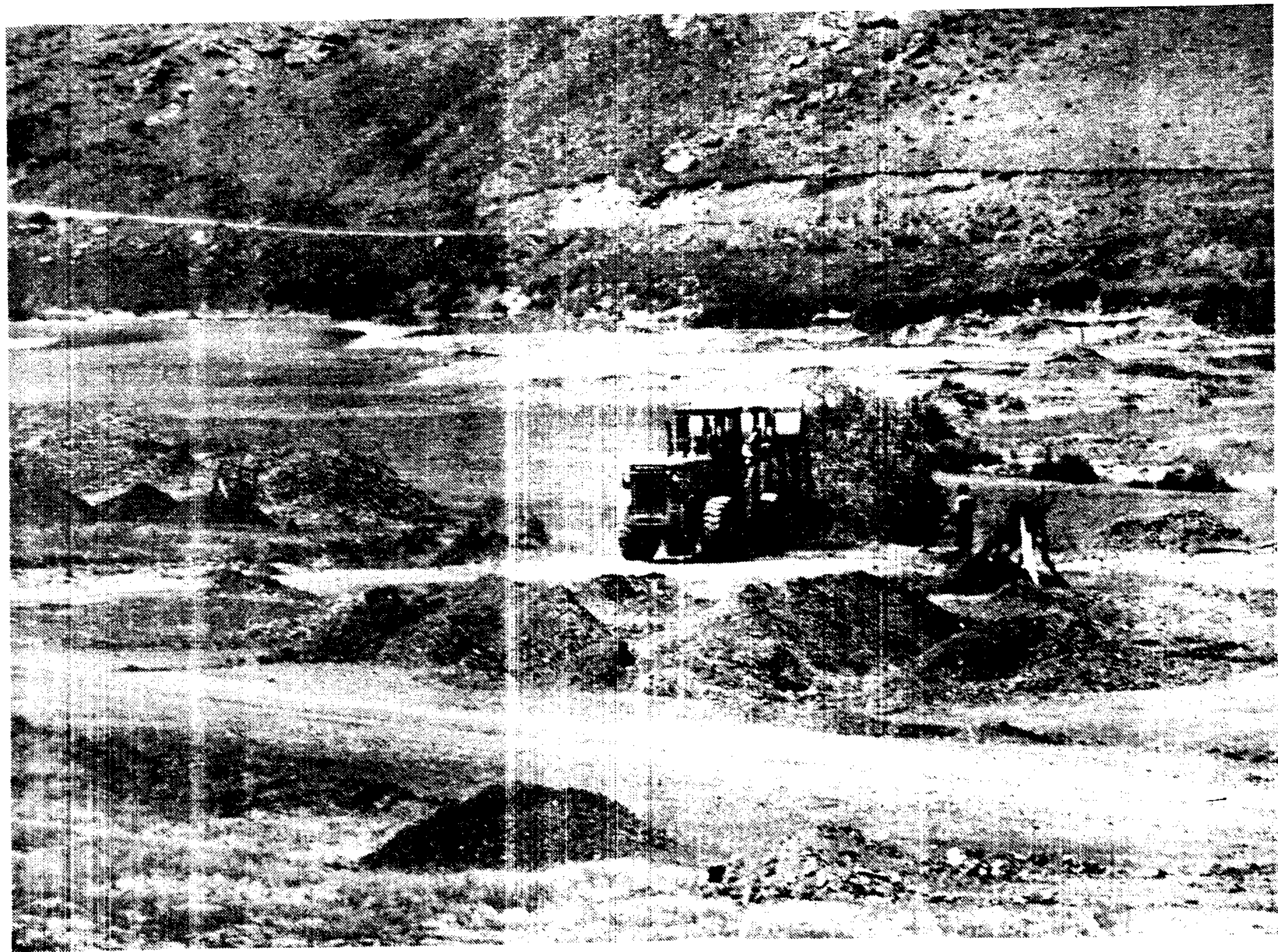


نمایی از خوش ییلاق و اثرات حفاظت در آن. عکس از فریبرز شکرایی.





قطع اشجار جهت تبدیل اراضی به زمینهای زراعی (آستارا). عکس از فریبرز شکرانی.



بهره‌برداری از شن و ماسه رودخانه به بهای از بین بردن درختان و تغییر بستر رودخانه. عکس از فریبرز شکرانی.